

گزارش چند سازمان
حقوق بشری روسیه از
«جنایت جنگی» این کشور
در سوریه



پرونده‌ی جنایت جنگی افغانستان
در دیوان کیفری بین‌المللی؛

تحریم امریکا علیه دادستان موظف لغو شد

اطلاعات روز: آنتونی بلینکن، وزیر خارجه‌ی ایالات
متحده‌ی امریکا اعلام کرده است که دولت جدید
این کشور تحریم‌ها علیه فاتو بنسوده، دادستان
ارشد دیوان کیفری بین‌المللی را لغو کرده است...

صفحه ۲

امر جمعی، اعتراض و قدرت

کتاب «خیابان؛ اعتراض و قدرت»
رونمایی شد

صفحه ۵

چرا خواب دوره‌ی نوجوانی برای سلامت روان بسیار مهم است؟



صفحه ۷

غصه‌های فدرال

صفحه ۷

یادداشت روز

نوع نظام سیاسی در افغانستان

افغانستان در یک قرن اخیر شش نوع نظام
سیاسی را تجربه کرده است. آخرین نوع نظام
سیاسی بر مبنای قانون اساسی ۲۰۰۴م،
ریاستی متمرکز انتخاب شد که در آن
صلاحیت شخص رئیس‌جمهور نامحدود است.
بر مبنای ماده ۶۰ قانون اساسی افغانستان
رئیس‌جمهور هم‌زمان رئیس دولت هم است
که در عرصه‌ی قانون‌گذاری نیز تأثیرگذار است
و در عرصه‌ی قضایی صلاحیت گسترده دارد.
نظام ریاستی متمرکز به رئیس‌جمهور فرصت
می‌دهد که در عرصه‌های مختلف اعمال قدرت
کند و بدون هیچ نوع پاسخگویی به نهادهای
قانون‌گذار و قضایی، به هر کس و هر نهادی
که دلش خواست صلاحیت تفویض کند، که
در نتیجه این صلاحیت نامحدود زمینه‌ی
رفتارهای فراقانونی رئیس‌جمهور را نیز فراهم
کرده است.

نظام ریاستی متمرکز و انحصار قدرت در
ارگ ریاست‌جمهوری و در واقع در اختیار
شخص رئیس‌جمهور باعث شده که بسیاری از
جریان‌های سیاسی و قومی از نظام فعلی ناراض
باشند و طرح‌های بدیل خود را مطرح کنند...

۲



مشاور امنیت ملی: تا کنون در باره‌ی آجندا، اشتراک‌کنندگان و زمان برگزاری نشست استانبول توافق نشده است

۲

وزارت صحت:

بیش از ۶۵ هزار نفر واکسین کرونا دریافت کرده‌اند

اطلاعات روز: وزارت صحت عامه‌ی کشور می‌گوید که
از نخستین روز آغاز روند تطبیق واکسین کرونا، تا
کنون بیش از ۶۵ هزار نفر از کتگوری‌های...

۲

انفجاری در شهر مزار شریف یک کشته و یک زخمی بر جای گذاشت



۲

ایران احتمال پذیرش گام به گام رفع تحریم‌های امریکا را رد کرد



۶

مؤارش

بازنگشتن به عقب؛

تهدیدهای امنیتی در ساختار پس از توافق صلح و رهبری سکتور امنیتی افغانستان (۳)

شناسایی دقیق و صادقانه نیازهای آینده کشور از سوی
مقامات بستگی دارد و از اکنون شروع به تغییر می‌کند.
عدم موفقیت در برنامه‌ریزی واقعی و مواجهه با تغییرات
مورد نیاز منجر به بی‌ثباتی پس از توافق و...

ارزیابی نیروهای امنیتی در افغانستان پس از توافق
نمونه‌های جهانی حاکی از آن است که افغانستان پس از
توافق برای مبارزه با چالش‌های احتمالی به ناچار نیاز به
تعدیلاتی در نیروهای امنیتی دارد. انجام این تعدیلات به

مؤارش



پرداخت‌نشدن جبران خساره‌ی آتش‌سوزی گمرک هرات؛ شاهراه‌های کلیدی هرات مسدود شد

متضرران آتش‌سوزی گمرک اسلام‌قلعه ولایت هرات
به دلیل پرداخت‌نشدن جبران خساره، شاهراه‌های کلیدی
هرات - اسلام‌قلعه و هرات - تورغندی را روز شنبه...

مفسوئو

مرزهای باز؛ دنیای عاری از مهاجرت و نابرابری (۱) استمرار مهاجرت و پالیسی‌های ناکام مهاجرتی

دکتر لیزا شوستر، استاد دانشگاه جامعه‌شناسی در
سیتی دانشگاه لندن است که بیشتر دهه‌ی گذشته
را در افغانستان، مشغول پژوهش و کار میدانی
بوده و این مدت در مرکز معلومات افغانستان در
دانشگاه کابل مستقر بوده است. وی با حمایت مالی
بنیاد لورهولم (۲۰۱۲ - ۲۰۱۳) تحقیقی درباره‌ی
پیامدهای اخراج بر افغان‌ها، خانواده‌ها و جامعه‌ی
آن‌ها انجام داد. آخرین کار او، با حمایت مالی
(ESRC) شورای تحقیقات اقتصادی و اجتماعی
(۲۰۱۶-۲۰۱۸) و با همکاری همکاران افغان در
ACKU درباره‌ی «بازنمایی مهاجرت در فرهنگ
شفاهی افغانستان»، «امیدها، برنامه‌ها و نگرانی‌های
خانواده‌های افغان» و «تأثیر اتحادیه اروپا در...

۳

بسته‌های ویژه اینترنتی برای بلاک‌های رهائشی و خانه‌های انفرادی



ادامه‌یادداشت‌روز

برعلاوه گروه طالبان که اکنون پروسه صلح با آن‌ها در جریان است، نیز مخالف کلیت نظام سیاسی فعلی هستند. بنابراین در جریان پروسه صلح، همواره یکی از بحث‌های مطرح مسأله نوعیت نظام سیاسی در افغانستان بوده است. چنان‌که در طرح پیشنهادی وزارت خارجه امریکا تحت عنوان حکومت مشارکتی صلح، به این امر توجه شده و گزینه دوم در طرح پیشنهادی امریکا، نظام پارلمانی/صدراعظم نیز در نظر گرفته شده است.

در این میان برخی از جریان‌های سیاسی مثل حزب جنبش ملی افغانستان به رهبری مارشال عبدالرشید دوستم طرحی را مبنی بر تمرکززدایی از قدرت پیشنهاد کرده که در آن نظام سیاسی آینده براساس توزیع قدرت در سطح محلی و ولایات پیشنهاد شده است. در طرح پیشنهادی جنبش ملی توزیع قدرت در پایتخت نیز میان صدراعظم و رییس‌جمهور مطرح شده است. اما در کنار آن، برخی از چهره‌های سیاسی از نظام فدرالیسم در افغانستان سخن می‌گویند. سیستم توزیع قدرت فدرال در افغانستان با حساسیت عجیب همراه است. برخی از جریان‌های سیاسی و قومی، سیستم فدرالیسم را به نوعی مقدمه و پیش‌زمینه‌ی تجزیه تلقی می‌کنند و به‌شدت مخالف آن هستند. با این‌حال، در تازه‌ترین مورد محمد محقق، رهبر حزب وحدت مردم افغانستان و مشاور ارشد رییس‌جمهور در امور امنیتی، گفته است که نظام فدرالیسم در افغانستان مناسب نیست. درحالی‌که عبدالعلی مزاری، رهبر فقید حزب وحدت، نظام فدرالی را تنها راه حل مسأله افغانستان می‌دانست.

یکی از بحث‌ها تغییر نظام سیاسی است. نظام سیاسی فعلی نه‌تنها منازعه‌ی جاری در افغانستان را حل نتوانست، بلکه در امر مدیریت و تقسیم قدرت، مشارکت اقوام، شکاف‌های سیاسی و قومی، حل منازعه، تحکیم وحدت ملی و ... ناکام بوده است، اما پرسش دیگر این است که آیا نظام سیاسی غیر از این ممکن است منازعه جاری را خاتمه ببخشد؟ نظام پارلمانی چگونه می‌تواند مشارکت قومی را در قدرت تأمین کند؟ درحالی‌که شکاف‌های قومی در افغانستان یک واقعیت آشکار است و سنت سیاسی پس از کنفرانس بن بر این امر صحنه گذاشته است. بنابراین در صورت روی‌کارآمدن نظام پارلمانی، با چه میکانسم مشارکت قومی در قدرت تأمین می‌شود؟ در صورتی که رییس‌جمهور از یک قوم و صدراعظم از یک قوم برگزیده شود، اقوام دیگر در کجای مناسبات قدرت خواهند بود؟ دموکراسی پارلمانی بر پایه‌ی وجود احزاب قدرتمند استوار است. در نظام‌های پارلمانی احزاب سیاسی خانه قدرت هستند، اما با توجه به بافت قومی در افغانستان که در آن احزاب براساس قومیت شکل می‌گیرد، چگونه ممکن است نظام پارلمانی از درون منازعه قومی موفق بیرون آید؟ پرسش‌هایی که درباره‌ی نظام پارلمانی مطرح است، درباره‌ی نظام فدرالی که همواره مورد نفرت بوده، نیز مطرح است؟ از آن‌جمله این‌که آیا به‌راستی فدرالیسم به معنای مقدمه‌ی تجزیه است؟ درحالی‌که مدعیان فدرالیسم بیشترین تلاش را در عرصه‌ی تحکیم وحدت ملی داشته‌اند.

با همه‌ی این‌ها، تجربه‌ی تاریخی در افغانستان نشان می‌دهد که نوعیت نظام سیاسی هیچ‌گاه راه‌حل نهایی نبوده است. بلکه مهم‌ترین مسأله‌ی مورد منازعه در افغانستان معاصر، مسأله عدم مشارکت اقوام در قدرت و در سطوح تصمیم‌گیری بوده است. افغانستان کشور اقلیت‌های قومی است، اما تاریخ یک قرن پسین نشان می‌دهد که همواره قدرت انحصاری بوده و محرومیت اقوام مختلف از قدرت سبب نارضایتی از نظام و دولت شده است. بنابراین تغییر نظام سیاسی هیچ دردی را درمان نمی‌کند، بلکه اصلاح نظام سیاسی می‌تواند بخشی از منازعه را حل کند. اگر قرار باشد تمرکززدایی از قدرت صورت بگیرد، در همین نظام ریاستی متمرکز نیز امکان اصلاح است. اگر نظام ریاستی باشد و قدرت به‌لحاظ جغرافیایی در سطح محلی به نهادهای همچون ولایات، شورالی‌ها و شوراهای ولایتی نیز داده شود، امکان مشارکت قومی در قدرت نیز فراهم می‌شود، مردم می‌توانند خود را در قدرت ببینند و بر سرنوشت خویش حاکم باشند. درحالی‌که در نظام‌های پارلمانی و فدرالیسم نیز ظرفیت و امکان تمرکز و انحصار قدرت به اندازه نظام ریاستی متمرکز وجود دارد.

اطلاعات روز: حمدالله محب، مشاور امنیت ملی کشور می‌گوید که مشورت‌ها درباره‌ی آجندا، افراد اشتراک‌کننده و زمان برگزاری نشست استانبول جریان دارد، اما تا کنون نتیجه‌ای در پی نداشته است. آقای محب که دیروز (شنبه، ۱۴ حمل) در نشست خبری مسئولان ارشد نهادهای امنیتی در کابل صحبت می‌کرد، گفت که نمایندگان ترکیه و امریکا به قطر رفته‌اند تا در دیدار با هیأت‌های مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان درباره‌ی نشست صلح ترکیه صحبت کنند.

محب همچنان گفت که توافق روی آجندای نشست و زمان برگزاری آن ممکن است زمانبر شود. او ابراز امیدواری کرد که در هفته‌های آینده توافق روی موضوعات یادشده نهایی شود. چندی پیش خبرگزاری رویترز به نقل از دو مقام ارشد دولت افغانستان گزارش کرد که رییس‌جمهور اشرف غنی طرح پیشنهادی امریکا برای صلح افغانستان را رد کرده و در مقابل طرحی را پیشنهاد کرده است که براساس آن انتخابات ریاست‌جمهوری در ظرف شش ماه برگزار خواهد شد. این

منابع همچنان گفته بودند که آقای غنی این طرح خود را در نشست صلح استانبول ارائه می‌کند. اکنون مشاور امنیت ملی رییس‌جمهور غنی می‌گوید که آقای غنی در انتخابات زودهنگام که بخشی از طرح او برای صلح است، نامزد ریاست‌جمهوری نخواهد بود. آقای محب تأکید کرد که حکومت کنونی براساس آرای مردم تشکیل شده و هر گونه حکومتی که در آینده تشکیل می‌شود، نیز باید براساس آرای مردم تشکیل شود. او اظهارات این اظهارات را در واکنش به

طرح‌هایی در پیوند به ایجاد دولت انتقالی مطرح کرد و علاوه کرد که حکومت حق ندارد تصمیم‌گیری روی سرنوشت مردم را به دست ۴۰ نفر بدهد. به گفته‌ی او، در گذشته نیز حکومت‌های توافقی ایجاد شده بود که برای مردم نتیجه‌ی خوبی در پی نداشت. نشست استانبول در پیوند به صلح افغانستان قرار است در جریان ماه جاری میلادی تحت مدیریت سازمان ملل برگزار شود. قرار است در این نشست روی آینده‌ی سیاسی و انتقال قدرت در افغانستان گفت‌وگو و تصمیم گرفته شود.

انفجاری در شهر مزارشریف یک کشته و یک زخمی بر جای گذاشت

بوده، انفجار صورت گرفته است. به گفته‌ی او، در این رویداد در نخست دو نفر به‌شمول یک غیرنظامی و یک نظامی زخمی شده بودند، اما یکی از زخمیان (غیرنظامی) در شفاخانه جان داده است. او افزود که وضعیت صحتی فرد زخمی خوب است. فرد یا گروهی تا کنون مسئولیت این رویداد را بر عهده نگرفته است. ولایت بلخ در شمال افغانستان موقعیت دارد. جنگ‌جویان گروه طالبان در بخش‌هایی از این ولایت حضور دارند.

اطلاعات روز: منابع امنیتی در ولایت بلخ می‌گویند که در نتیجه‌ی یک انفجار در مربوطات شهر مزارشریف، مرکز این ولایت، یک نفر کشته و یک نفر دیگر زخمی شده‌اند. عادل‌شاه عادل، سخن‌گوی فرماندهی پولیس ولایت بلخ به روزنامه اطلاعات روز گفت که این رویداد حوالی ساعت ۸:۲۰ دقیقه‌ی صبح دیروز (شنبه، ۱۴ حمل) در نزدیکی چهارراهی ذبیح‌الله، از مربوطات ناحیه‌ی پنجم شهر مزارشریف رخ داده است. آقای عادل همچنان گفت که یک حلقه ماین کنترل از راه دور توسط تروریستان در یک گلدان جاسازی شده بود و هنگامی که یک عراده موتر رنجر پولیس از ساحه در حال عبور

پرونده‌ی جنایت جنگی افغانستان در دیوان کیفری بین‌المللی؛ تحریم امریکا علیه دادستان مؤظف لغو شد

دیوان کیفری بین‌المللی برای اعمال صلاحیت درباره‌ی کشورهای غیر عضو از جمله امریکا و اسرائیل مخالف است. دیوان کیفری بین‌المللی در ماه حوت ۱۳۹۸ خورشیدی فیصله کرده بود که بررسی عمل کرد گروه طالبان، حکومت افغانستان و نیروهای امریکایی پس از ماه می سال ۲۰۰۳ میلادی را آغاز می‌کند. امریکا تاکنون عضویت دیوان کیفری بین‌المللی را نگرفته و صلاحیت این دادگاه برای انجام تحقیق در مورد شهروندان امریکایی را به این دلیل که «حاکمیت ملی امریکا» را تهدید می‌کند، به رسمیت

محدودیت صدور ویزا برای برخی از کارکنان دیوان کیفری بین‌المللی نیز لغو شده است. آنتونی بلینکن وضع تحریم‌ها از سوی دولت ترمپ علیه دیوان کیفری بین‌المللی را اشتباه و غیرموثر خوانده و گفته است که بهتر است تا نگرانی‌های کشورش درباره‌ی اقدامات این دادگاه از طریق تعامل و گفت‌وگو با تمام ذی‌نفعان در این پرونده حل شود.

وزیر خارجه‌ی امریکا تأکید کرده است که با اقدامات دیوان کیفری بین‌المللی در مورد افغانستان و فلسطین مخالف است. او همچنان گفته است که نسبت به تلاش‌های

اطلاعات روز: آنتونی بلینکن، وزیر خارجه‌ی ایالات متحده‌ی امریکا اعلام کرده است که دولت جدید این کشور تحریم‌ها علیه فائو بنسوده، دادستان ارشد دیوان کیفری بین‌المللی را لغو کرده است. دونالد ترمپ، رییس‌جمهوری پیشین ایالات متحده‌ی امریکا سال گذشته فائو بنسوده را به دلیل آغاز تحقیقات در مورد احتمال ارتکاب «جنایت جنگی» نیروهای امریکایی در افغانستان، تحریم کرده بود. وزیر خارجه‌ی امریکا دو روز پیش (جمعه، ۱۳ حمل) در اعلامیه‌ای گفته است که افزون بر لغو تحریم‌ها علیه این دادستان،

وزارت صحت:

بیش از ۶۵ هزار نفر واکسین کرونا دریافت کرده‌اند

می‌توانند واکسین کرونا دریافت کنند. افغانستان تا کنون نزدیک به یک میلیون دوز واکسین کرونا را از هند و سازمان کوآکس دریافت کرده است. در گام نخست قرار است ۲۰ درصد نفوس کشور در برابر ویروس کرونا واکسینه شوند. براساس آمار رسمی وزارت صحت عامه، طی بیش از ۱۳ ماه گذشته ۵۶ هزار و ۶۷۶ نفر در سراسر افغانستان به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند. از این میان، ۵۱ هزار و ۸۰۲ نفر بهبود یافته و دوهزار و ۴۹۷ نفر دیگر جان داده‌اند.

گروه «احزاب سیاسی تأثیرگذار» در نشست استانبول با موضع واحد شرکت می‌کند

نشست ترکیه می‌روند باید قبل از برگزاری نشست، روی مسائل اساسی به تفاهم برسند. او اعلام کرد که جریان «احزاب هم‌سو» تلاش می‌کند با طالبان و دولت افغانستان هم‌گفت‌وگو کند که تا موقع برگزاری نشست ترکیه، یک دیدگاه واحد برای ختم جنگ در کشور به میان آید. او اضافه کرد که در آینده‌ی نزدیک رهبران احزاب هم‌نشستی را مرتبط به صلح و مشخصاً نشست ترکیه برگزار می‌کنند. آقای جریر گفت که خواست‌ها و موضع این احزاب در نشست ترکیه یکی خواهد بود. او اما در باره‌ی این که این احزاب روی چه خواست‌ها و مواضعی تفاهم کرده‌اند، جزئیاتی ارائه نکرد. نشست ترکیه قرار است در آینده‌ی نزدیک و در جریان ماه اپریل در شهر استانبول برگزار شود. این نشست ابتکار امریکا است و سازمان ملل آن را مدیریت و رهبری می‌کند. قرار است در این نشست روی آینده‌ی سیاسی و انتقال قدرت در افغانستان گفت‌وگو و تصمیم گرفته شود.



در راستای تأمین صلح پایدار در افغانستان به‌کار گیرند؛ زیرا در صورت از دست‌رفتن این «فرصت تاریخی» بحرانی که در افغانستان جریان دارد، دامن‌گیر منطقه و جهان خواهد شد. همایون جریر، عضو حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار و عضو کمیته‌ی سیاسی جریان احزاب هم‌سو که در نشست مطبوعاتی دیروز سخن می‌گفت تأکید کرد تمامی افراد و جریان‌های سیاسی که در

این تشکل سیاسی از جناح‌ها و چهره‌های سیاسی دیگر هم خواسته که با این جریان همسو شوند و از فرصت پیش‌آمده برای آوردن صلح حمایت کنند. در اعلامیه‌ی این جریان آمده است: «نباید اجازه دهیم که برخی از حلقات برای تأمین منافع شخصی‌شان پروسه‌ی ملی صلح را با چالش مواجه کنند.» این جریان از کشورهای منطقه و جامعه‌ی جهانی خواسته که تمام تلاش‌های‌شان را

اطلاعات روز: شماری از احزاب سیاسی تحت عنوان «احزاب سیاسی تأثیرگذار» اعلام کرده که با موضع واحد در نشست ترکیه اشتراک می‌کنند. این جریان سیاسی شامل حزب جمعیت اسلامی، حزب وحدت اسلامی افغانستان، حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان، حزب اسلامی، حزب جنبش ملی اسلامی افغانستان، حزب افغان ملت و حزب محاذ ملی می‌باشد. این احزاب دیروز (شنبه، ۱۴ حمل) در یک نشست مطبوعاتی که در کابل برگزار شد، اعلام کردند که از نشست ترکیه استقبال و در این نشست با موضع و دیدگاه واحد اشتراک می‌کنند. آنان ابراز امیدواری کردند که این نشست به یافتن راه حل مناسب و معقول برای ختم جنگ منتهی شود. در اعلامیه‌ای که از سوی این جریان منتشر شده، آمده است: «ما احزاب سیاسی صلح را از اولویت ملی دانسته و از هر تلاشی که منجر به پایان یافتن جنگ و رسیدن به ثبات دایمی می‌شود، حمایت قاطع می‌کنیم.»

رضا حسینی، غلامرضا واعظی و حسین‌علی کریمی

دکتر لیزا شوستر، استاد دانشگاه جامعه‌شناسی در سیتی دانشگاه لندن است که بیشتر دهه‌ی گذشته را در افغانستان، مشغول پژوهش و کار میدانی بوده و این مدت در مرکز معلومات افغانستان در دانشگاه کابل مستقر بوده است. وی با حمایت مالی بنیاد لورهولم (۲۰۱۲ - ۲۰۱۳) تحقیقی درباره‌ی پیامدهای اخراج بر افغان‌ها، خانواده‌ها و جامعه‌ی آن‌ها انجام داد. آخرین کار او، با حمایت مالی (ESRC) شورای تحقیقات اقتصادی و اجتماعی (۲۰۱۶-۲۰۱۸) و با همکاری همکاران افغان در ACKU درباره‌ی «بازنمایی مهاجرت در فرهنگ شفاهی افغانستان»، «امیدها، برنامه‌ها و نگرانی‌های خانواده‌های افغان» و «تأثیر اتحادیه اروپا در توسعه سیاست مهاجرت افغانستان» بوده است. دکتر شوستر همچنین گزارش‌های تخصصی مربوط به افغانستان را برای دادگاه‌های مهاجرت در انگلستان و سراسر اروپا تهیه می‌کند و به بحث در مورد مهاجرت در تعدادی از کشورها کمک می‌کند.

اطلاعات روز: این روزها در اروپا موضوع مهاجرت یکی از محورهای اصلی سیاستگذاری است. این امر مخصوصا در زمان‌های انتخاباتی، همواره از محورهای اصلی گفت‌وگوها بوده است. لطفا کمی بیشتر درباره‌ی این سیاستگذاری‌ها و جهت‌گیری‌های احزاب مختلف در بحبوحه انتخابات توضیح دهید تا با بحث‌های اصلی در این زمینه بیشتر آشنا شویم.

پاسخ: ۳۰ سال پیش زمانی که من در حال تحصیل در مقطع دکترا بودم و درباره‌ی سیاست‌های پناهندگی در اروپا تحقیق می‌کردم به این نتیجه‌ی ناخوشایند رسیدم که مشکل سد راه مهاجران در اروپا دموکراسی است. چون هر ۴ سال، یک انتخابات برگزار می‌شد که تمام احزاب سیاسی (راست‌ها و محافظه‌کاران...) سعی می‌کردند سرمایه‌ی سیاسی از مهاجران برای خود بسازند و عموما وعده نمی‌دادند که بیشتر لیبرال یا بخشنده باشند؛ بلکه بیشتر بر محدودیت‌ها و سخت‌گیری‌ها بر مهاجران تأکید می‌کردند. هرچند از یک طرف این درست است که چپ‌ها سعی می‌کردند خود را نماینده‌ی اقلیت‌ها (مهاجران و فرزندان آنان) معرفی کنند و وعده می‌دادند که حق بیشتری برای شهروندانی که اصالتا مهاجر بودند قائل خواهند شد. آنان وعده می‌دادند که ما پروسه گرفتن جواز سکونت یا جواز کار را ساده‌تر خواهیم کرد اما در مقابل تعداد کمتری را به‌عنوان مهاجر قبول می‌کنیم. و هیچ کسی در سطح سیاسی، صحبت از ایده‌ی مرزهای باز نمی‌کرد، فقط فعالان حقوق بشر بودند که درباره‌ی این ایده بحث می‌کردند و از آن دفاع می‌کردند. و هر کسی که به‌نظر می‌رسد نسبت به مهاجران، انعطاف بیشتری دارد (در انگلستان حزب کارگر) همواره از طرف احزاب رقیب متهم می‌شدند که مهاجران بیشتری را می‌پذیرند. بنابراین موضوع مهاجرت برگ برنده‌ی برای احزاب محافظه‌کار قلمداد می‌شد چون ادعا می‌کردند که ما نسبت به مهاجران سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تری را دنبال خواهیم کرد. مثلا ویکتور اربان در مجارستان و همچنین لهستان، چک‌اسلواکی و بیشتر کشورهای اروپای شرقی و مرکزی چنین رویه‌ای قابل مشاهده است. در غرب اروپا مانند فرانسه، ایتالیا و انگلستان داستان کمی متفاوت است. چون راستگراها خیلی قدرتمند نیستند و مثلا در انگلستان چون محافظه‌کارها، مدت زیادی بر سر قدرت بودند و همواره سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تری نسبت به مهاجرت داشتند و البته آن را سخت‌تر هم کردند. آن‌ها همواره ورود به انگلستان را برای مهاجران پرهزینه‌تر و سخت‌تر می‌کردند.

ولی واقعیت این است که شما نمی‌توانید مهاجرت را متوقف کنید. شما فقط می‌توانید کاری کنید که مهاجران رنج بیشتری بکشند. احزاب راستگرا مشهورند که احزاب تجارتنی‌اند. آنان از مالیات کمتر صحبت می‌کنند و از منفعت برای تجارت صحبت می‌کنند و تجارت هم نیازمند کارگران ارزان است. بنابراین احزاب راستگرا این مشکل را دارند، رای‌دهندگان از ازدیاد مهاجران می‌ترسند. آنان نگرانند که مهاجران شغل‌هایشان را می‌گیرند ولی کسانی که هزینه‌ی کمپین‌های انتخابات را می‌پردازند، تاجرنی هستند که نیازمند کارگران ارزان‌اند و این در واقع آن نقطه‌ی تنش و تناقض است. و این تنش بیشتر آشکار شده است. مثلا در ۱۹۹۰ در انتخابات ایتالیا حزب راستگرا گفت که ما به هیچ‌وجه مهاجر قبول نمی‌کنیم و انتخابات را هم برد ولی بعدش بازرگانان گفتند چه کسی میوه‌های ما را می‌چیند؟ چه کسی رومی‌های ما را می‌چیند؟ چه کسانی قرار است خیابان‌ها و دفاتر ما را تمیز کنند؟ ما نیازمند نیروی کار ارزان هستیم که چنین کارهایی را انجام دهند. در عرض سه هفته دولت اعلام کرد که ما فقط ۱۰ هزار نیروی کار قبول می‌کنیم و در عرض ۲۴ ساعت همه‌ی میزها داده شد. بنابراین همواره تمایل برای کارگر ارزان در اروپا وجود داشته است.

اطلاعات روز: نکته مهمی را بیان کردید. بنابراین این‌طور که به‌نظر می‌رسد رابطه‌ی دولت‌های اروپایی به بحث مهاجرت، رابطه‌ی سلطه و استثمار است! به این معنی که اروپایی‌ها، مهاجران و پناهندگان را بیشتر از این جهت که نیروی کار ارزان هستند، می‌پذیرند نه از این جهت که آنان نیازمند محافظت هستند. یعنی نگاه، نگاه سرمایه‌های است نه نگاه حقوق بشری.

از طرفی نکته‌ای که همواره در ذهن من به‌عنوان نقطه تناقض‌آمیز درباره‌ی اروپا و مهاجرت به ذهنم می‌آید این است که اروپایی‌ها، اعتبار فراوانی در جهان به‌عنوان مدافعان حقوق بشر کسب کرده‌اند و همواره در طرح کنوانسیون‌های مربوط به حقوق بشر و حقوق زنان و اقلیت‌ها پیشرو بوده‌اند. اما زمانی

مرزهای باز؛

دنیای عاری از مهاجرت و نابرابری (۱)

استمرار مهاجرت و پالیسی‌های ناکام مهاجرتی

رابطه‌ی دولت‌های اروپایی به بحث مهاجرت، رابطه‌ی سلطه و استثمار است! به این معنی که اروپایی‌ها، مهاجران و پناهندگان را بیشتر از این جهت که نیروی کار ارزان هستند، می‌پذیرند نه از این جهت که آنان نیازمند محافظت هستند. یعنی نگاه، نگاه سرمایه‌های است نه نگاه حقوق بشری.



ندارند، کار مشکل‌تر خواهد شد.

اطلاعات روز: به‌نظر می‌رسد که برای حل موضوع مهاجرت ما نیازمند پاسخ رادیکال‌تری هستیم. چون پالیسی‌ها چندان جوابگو نیستند. هرچند این‌طور به‌نظر می‌رسد که دیگر دوران سیاست‌های رادیکال به‌سر آمده است.

پاسخ: مهاجرت یک فاجعه نیست، مهاجرت از زمانی که بشر پا به عرصه‌ی وجود گذاشته، شکل گرفته است. مهاجرت همواره به‌عنوان یک استراتژی بقا مورد استفاده قرار گرفته است. وقتی ما با تغییرات آب و هوایی مواجه می‌شویم، شاهد مهاجرت بیشتری خواهیم بود. زمانی که سیل در بنگلادش اتفاق افتاد، مهاجرت وسیعی در پی داشت. مهاجرت همواره منفعت به همراه داشته است. نه‌تنها از جهت نیروی کار انسانی ارزان، بلکه از جهت غنی‌شدن فرهنگ‌ها و ایده‌ها مهاجرت سودمند بوده است. تصور کنید زمانی که شما در یک دهکده‌ی زیبا و کوچک زندگی می‌کنید، ممکن است زندگی خوبی داشته باشید ولی تغییر و توسعه‌ی کمتری را شاهد خواهید بود. برای تغییر و توسعه شما باید مردمان دیگر را ببینید و با آنان مرادوه داشته باشید و از آنان یاد بگیرید.

از جهتی توجه به سیاست رادیکال‌تر درست است. ولی همواره این ایده وجود داشته است که هیچ دولتی حق ندارد که هیچ کسی را از حرکت بازدارد و مانع سفر او شود. هرچند تبدیل آن به واقعیت امری مشکل به‌نظر می‌رسد. البته این تنها ایده‌ی است که درباره‌ی مهاجرت به‌لحاظ اخلاقی و منطقی قابل قبول است. اگر شما به مردم اجازه دهید که انتخاب کنند، ترک کنند، آنان به جایی نخواهند رفت. اگر آن‌ها نتوانند کاری پیدا کنند و یا نتوانند بقا یابند، قطعاً به جایی دیگر خواهند رفت که بتوانند بقا یابند. کار پیدا کنند. پول به‌دست بیاورند و از خانواده‌ی خود مراقبت کنند. مردم به یونان می‌آیند چون فرصت‌ها کمتر است. برخی می‌مانند و عده‌ای به‌سوی ایتالیا حرکت می‌کنند. وقتی به ایتالیا می‌رسند، مخصوصا افغان‌ها، می‌توانند اسناد اقامتی بگیرند و به رسمیت شناخته شوند. این فقط سندی است که با آن کسی، نمی‌تواند شما را اخراج کند. این سند اقامت هیچ معنی دیگری ندارد. با این سند شما می‌توانید کار کنید. البته اگر بتوانید کاری پیدا کنید. چون کاری نیست. بنابراین مردم چه می‌کنند؟ آنان به سمت جنوب فرانسه می‌روند. در فرانسه اجازه کار ندارند. بنابراین به‌سوی آلمان و سوئد یا انگلستان حرکت می‌کنند. هر زمانی که آنان مهاجرت می‌کنند، بخشی از آن به‌علت این است که معتقدند آنان می‌توانند آن‌جا کار پیدا کنند و خانهای برای خود بسازند. بنابراین اگر مردم را اجازه دهید که برای خودشان تصمیم بگیرند تا کجا بروند و کجا زندگی کنند به‌لحاظ اقتصادی قابل توجیه است. ولی مشکل، ترس از چیزی است که شما نمی‌دانید، نمی‌شناسید. ترس از این که دنیای شما تغییر خواهد کرد. من مطمئنم که در ایران و افغانستان هم، همین مشکل وجود دارد. مثلا شما همواره در یک روستا زندگی کردید و ناگهان تعدادی وارد روستا می‌شوند که با شما متفاوت هستند. زبان‌شان فرق می‌کند. غذای‌شان فرق می‌کند

و مذهبی متفاوت دارند. ظاهرشان با شما فرق دارد. ولی اگر شما مکانیزمی داشته باشید که بتواند این مردم را اسکان بدهد و مردم را باهم بنشانند، موفق عمل کرده‌اید. اما اگر برنامه‌ای نداشته باشید و همه مشکلات را بر گردن تازه‌واردان بیندازید بعد مشکلات آغاز می‌شود. شما رابطه‌ی خوبی با تازه‌واردان نخواهید داشت و این را در اروپا می‌بیند.

در سال ۲۰۰۴، زمانی که شرق اروپا به اتحادیه اروپا پیوست، بیشتر دولت‌های اروپایی گفتند که شما حق ورود آزادانه به منطقه‌ی اروپا را دارید. ولی در طول ۷ سال، تا ببینیم پروسه اسکان چگونه پیش می‌رود. ولی انگلستان نیاز به نیروی کار ارزان داشت. ولی نه کارگر آسیایی و نه کارگر سیاه‌پوست. انگلستان گفت ما به شما اجازه می‌دهیم که بدون درنگ وارد کشور شوید. آنان فکر کردند که حدود ۳۰ هزار از مردمان اروپای شرقی خواهند آمد. در عرض ۴ و ۵ سال ۳۰۰ هزار سپس و سپس ۶۰۰ هزار آمدند (من می‌دانم که در پاکستان و ایران مهاجران بیشتری وجود دارد). اما اتفاقی در انگلستان نیفتاد. شورش رخ نداد. حمله بزرگی اتفاق نیفتاد و حادثه وحشتناکی روی نداد. وقتی افغان‌ها و یوگسلاوها در ۱۹۹۰ به آلمان آمدند، مردمی بومی، اقامتگاه‌های پناهجوها را آتش زدند و مردم کشته شدند. دلایل این نبود که آنان از اروپای شرقی هستند. دلایل این بود که آنان سفید بودند و مسیحی بودند و مردم ناراحت بودند که سوپر مارکتی لهستانی باز شده است. اما هیچ شورش در کار نبود. چون آن‌ها سفید و مسیحی بودند. زمانی که تازه‌واردان می‌آیند، مردم نگران می‌شوند. اگر رهبریت سیاسی خوب داشته باشید، می‌توانید آن را مدیریت کنید. مهم است که رهبران سیاسی مردم را ترغیب کنند تا آن‌ها تلاش کنند در مواجهه با تازه‌واردان تا جایی که می‌توانند خوب باشند. ولی در حال حاضر سیاستمداران سعی می‌کنند با توسل به نفرت و ترس رای بیشتری را از آن خود کنند و این مشکل بزرگی است.

این مشکل بزرگی است نه فقط برای اروپا. چون کسانی هستند که برای مهاجران و تازه‌واردان همدلی نشان می‌دهند و آنان را کمک می‌کنند. البته در عین حال اروپا مکان بدی است و می‌تواند بدتر از این هم باشد. شما می‌توانید مهاجرانی را ببینید که در شرایط بسیار بدی زندگی می‌کنند و ۷ یا ۸ سال است که سرگرداند، مریض می‌شوند و به‌لحاظ روانی نابود می‌شوند. چرا که بسیاری آنان را به‌عنوان یک مشکل می‌بینند. **اطلاعات روز:** در شرایط کنونی با توجه به تفکر دولت-ملت، مرزهایی تعیین شده و این مسأله به یک رویه مسلط تبدیل شده است. به نوعی که این موضوع امری نرمال و طبیعی جلوه می‌کند. بنابراین هر کسی که درباره‌ی دنیای بدون مرز صحبت می‌کند، امری غریب می‌نماید و خواستار دلیل می‌شوند. درحالی‌که آنچه عجیب است این است که مرز به‌عنوان یک امر دست‌ساز بشری، به‌عنوان امری طبیعی جلوه می‌کند. کمی درباره‌ی دلیل تان برای دنیایی بدون مرز صحبت کنید. مخصوصا رنط آن به مسأله نژادپرستی.

پاسخ: در طول تاریخ بعضی ایده‌ها، شانس برای ظهور و بقا و گسترش داشته‌اند و برخی نه. ایده‌ی دنیای بدون مرز دلایلی متفاوت و صور متنوعی دارد. ولی جای خوشبختی است که این ایده به مفاک فراموشی سپرده نشده است و در

زمان مناسب توسعه خواهد یافت و البته نمی‌دانیم کی؟

دلیل من برای دنیای بدون مرز این است که انسان به‌خوبی قادر است منفعت خود را تشخیص دهد. بنابراین زمانی که سیاستمداران می‌خواهند این تصمیم را بگیرند و مانع مهاجرت افراد شوند، باعث ایجاد مشکل می‌شوند. همان‌طور که استیون کاستلر گفته است «مشکل پالیسی‌های مهاجرت این است که درباره‌ی مهاجرت است.» در واقع آنچه که باید درباره‌ی آن پالیسی تألیف شود نابرابری است نه مهاجرت.

این درست است که مردم دلایل مختلفی برای مهاجرت دارند. ولی دلیل عمده‌ی مهاجرت‌ها به‌دلیل نابرابری است و مرزها برای این درست شده که این نابرابری را همچنان پابرجا نگهدارد. من فکر می‌کنم که اگر ما مرزهای باز داشته باشیم در این صورت به هر کس این شانس را می‌دهیم تا برای بهبود وضعیتش تلاش کند و شانس بیشتری برای از سخت‌تر است که مالیات و قیمت اجناس در یک کشور ارزان‌تر و در دیگری گران‌تر باشد. اگر مرزهای باز داشته باشیم، بسیار سخت‌تر است که در یک کشور دستمزد بالاتری داشته باشیم و در کشور دیگر دستمزد پایین‌تر. اگر مرزها باز باشد بسیار مشکل است که نابرابری پابرجا بماند.

واقعیت این است که همه کسانی که مهاجرت می‌کنند، اکثرشان نمی‌خواهند مهاجرت کنند. برخی‌شان می‌خواهند مهاجرت کنند. اما برخی‌شان می‌خواهند در خانه بمانند. یا برخی‌شان می‌خواهند برای یک یا دو سال مهاجرت کنند، بعد برگردند. آن‌ها می‌خواهند دنیا را ببینند بعد دل‌تنگ خانه شوند و برگردند. اما تمام این مرزها و موانع سد راه مهاجرت است. به این معنی که وقتی شما سرمایه‌گذاری کردید، ریسک کردید، رنج کشیدید، پول‌تان را مصرف کردید، نمی‌توانید بعد از مدتی بگویید من به خانه برمی‌گردم. ولی اگر شما آزادی تحرک داشته باشید، ممکن است بسیاری از مردم بعد از مدتی به خانه برگردند. چون برای ۴۰۰ دالر هزینه، کسی چیزی را از دست نمی‌دهد که مثلا به انگلستان یا از خانه‌تان برگردید و مشکلی ایجاد نمی‌شود. ولی زمانی که به خاطر مهاجرت موانع و هزینه‌های زیادی گذاشته شود که مهاجران باید پرداخت کنند، دیگر حتا اگر بخواهند نیز نمی‌توانند به آسانی برگردند. چون همه چیز را از دست می‌دهند.

ادامه دارد...

فاطمه فرامرزی

ارزیابی نیروهای امنیتی در افغانستان پس از توافق

نمونه‌های جهانی حاکی از آن است که افغانستان پس از توافق برای مبارزه با چالش‌های احتمالی به ناچار نیاز به تعدیلات در نیروهای امنیتی دارد. انجام این تعدیلات به شناسایی دقیق و صادقانه نیازهای آینده کشور از سوی مقامات بستگی دارد و از اکنون شروع به تغییر می‌کند. عدم موفقیت در برنامه‌ریزی واقعی و مواجهه با تغییرات مورد نیاز منجر به بی‌ثباتی پس از توافق و بازگشت احتمالی به سطح خشونت چهار دهه‌ی گذشته خواهد شد. اما یک مولفه اصلی برای تکامل سکتور امنیتی، اطمینان از باقی‌ماندن نیروهای امنیتی خواهد بود.

نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغانستان در حال حاضر بسیاری از توانایی‌های مورد نیاز در آینده را ایجاد کرده است. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغانستان سطح قابل قبولی از اعتماد را کسب کرده است و به میزان اهمیت‌ش، برای مردم افغانستان مورد احترام است. با این حال، ادغام جنگ‌جویان سابق ضد دولت با سکتور امنیتی در ساختار پس از توافق صلح، بر پیچیدگی چالش‌ها می‌افزاید.

یکی از عمده‌ترین مواردی که توانایی‌های اثبات شده و قابل اعتماد سکتور امنیتی را پس از توافق صلح به چالش می‌کشد، استفاده یا انحلال نیروهای نامنظم طالبان است. با این وجود، افغانستان می‌تواند از آخرین ابتکار خلع سلاح و ادغام، برنامه‌ای که بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳ اجرا شد، درس بگیرد. اگرچه این برنامه ایرادهای زیاد داشت اما به ایجاد یک نیروی امنیت ملی منسجم در شرایطی که مشابه امروز بود، کمک کرد.

رهبران افغانستان می‌توانند اطمینان حاصل کنند که سکتور امنیتی توانایی‌ها و اعتماد کافی مردم افغانستان را حفظ می‌کند. افغانستان از سال ۲۰۰۱ پیشرفت چشمگیر داشته است اما در تلاش برای توسعه سکتور امنیتی به یک نیروی حرفه‌ای‌تر نیز دچار مشکلاتی شده است. اکنون زمینه برای پیشرفت بیشتر وجود دارد. توانایی، رهبری و اعتماد بخش امنیتی، سنگ بنای یک روند صلح پایدار و موفق برای افغانستان خواهد بود.

توانایی‌های نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغانستان

ویژگی‌های کلیدی سازمان‌های امنیتی برای حفظ پایداری صلح شامل رهبری، تدارکات، روحیه بالا، درک پویایی محلی، روابط با

جامعه محلی، روحیه فعال برای حل سریع مشکلات بدون انتظار برای دستورات، برنامه‌ریزی در سطح تاکتیکی و توانایی انجام این برنامه‌ها از طریق عملیات واحد کوچک اند. از گفت‌وگوهای مربوط به رهبری با ژنرال‌های افغان - درجه‌های متوسط و اول - و پرسنل عملیات ویژه آمریکا که طی چند سال گذشته آن‌ها راهنمایی کرده‌اند و ناظرانی که فرهنگ سازمانی را مطالعه می‌کنند، می‌توان نتایج دو دهه تغییر فرهنگی در زمینه رهبری را مشاهده کرد. بسیاری از رهبران پایه و متوسطه که در درون نیروهای ملی دفاعی و امنیتی امروز افغانستان بزرگ شده‌اند، ویژگی‌های ذکر شده در بالا را در خود جای داده‌اند. در حالی که این پرسنل به‌طور مساوی در درون نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغانستان پخش نشده‌اند و بخش خدمات هنوز توسط تعداد زیادی از افراد فاسد یا ناکارآمد رهبری می‌شود، کادری وجود دارد که افغانستان را برای مبارزه با چالش‌های احتمالی پس از توافق آماده کند.

اگرچه بخش امنیتی افغانستان از سال ۲۰۰۲ برای حرفه‌ای‌تر شدن پیشرفت کرده است اما هنوز مناطقی وجود دارد که نیاز به پیشرفت چشمگیر دارند. گزارش‌های سیگار، وزارت دفاع ایالات متحده، بنیاد آسیا، مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی واشنگتن و دیگران و همچنین بحث‌های خصوصی با رهبران وزارت دفاع افغانستان، وزارت امور داخلی و سایر بخش‌های امنیتی دریافته‌اند که نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغانستان بسیاری از مأموریت‌های اصلی خود را به‌طور کافی انجام می‌دهد. با این اوصاف، تمویل‌کنندگان بین‌المللی احتمالاً حداقل به بودجه بخش امنیتی افغانستان تحت سناریوی توافق ادامه خواهند داد، زیرا بدون این حمایت در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغانستان قادر به انجام وظایف لازم برای حفظ صلح نخواهد بود. علاوه بر این، نیروهای امنیتی کنونی افغانستان از پشتیبانی کافی مردمی در سراسر افغانستان برخوردار هستند تا به‌عنوان چارچوب اصلی جذب سایر گروه‌های مسلح عمل کنند.

نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغانستان به‌طور پیوسته در اندازه و موقعیت‌های جغرافیایی افزایش یافته است. با کمک قابل توجه جامعه بین‌المللی تا سال ۲۰۱۵، پایتخت و دولت افغانستان از سال ۲۰۰۱ در معرض خطر سقوط نبوده و بیش از چند روز هیچ شهر بزرگی از دست نرفته است. نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغانستان با شورش فعلی طالبان به بن‌بست رسیده است

هنگفت کرده‌اند.

محمدسرور، با فروش خانه‌اش به ارزش ۱۵ هزار دالر امریکایی، موتر ترانزیتی خریداری کرده بود، اما بی‌خبر از این که تنها اندوخته‌ی مالی‌اش طعمه‌ی حریق شود. او حالا هیچ پولی در بساط ندارد و پریشان است که چگونه مصارف زندگی خانوادگی پرجمعیت ۱۰ نفری خود را تأمین می‌کند؟

او از حکومت می‌خواهد که هرچه زودتر جبران خساره پرداخت کند تا زندگی‌اش دوباره سرسامان بگیرد: «تنها همین موتر سرمایه‌ی زندگی من بود که در آتش‌سوزی سوخت و حالا هیچ پولی ندارم. حکومت خیلی وقت پیش باید جبران خساره می‌داد. اگر جبران خساره پرداخت نشود، چگونه خرج خانه خود را برابر کنم.»

«فساد در گمرک»

شاه‌محمود، دو تانکر نفت‌کش‌اش در آتش‌سوزی گمرک حریق شده است. او مدعی است که حدود ۲۰ روز این تانکرها در گمرک اسلام‌قلعه به‌دلیل فساد مانده بود و دلیل اصلی آتش‌سوزی، فساد در گمرک است.

او به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که با حریق شدن تانکرهایش در بدترین وضعیت اقتصادی به‌سر می‌برد و هیچ چشم‌انداز امیدبخش برای تأمین مصارف زندگی‌اش وجود ندارد: «خواهش ما از رییس‌جمهور این است که خساره‌ی ما را پرداخت کند. ما راه را باز نمی‌کنیم، تا حق ما پرداخت نشود.»

بازنگشتن به عقب؛

تهدیدهای امنیتی در ساختار پس از توافق صلح و رهبری سکتور امنیتی افغانستان (۳)



بین شهروندان و نیروهای امنیتی در آینده تأثیر بیشتری خواهد داشت.

نظرسنجی عمومی بنیاد آسیا در سال ۲۰۱۹ در مورد اصلی‌ترین نگرانی‌های اصلی امنیتی افغانستان، چشم‌اندازی در مورد میزان اعتماد عمومی به نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغانستان را فراهم می‌کند. در حالی که هر نظرسنجی از این نوع دارای محدودیت‌هایی است، به ویژه در جوامعی که نگرش و تعصبات نخبگان تأثیر نامتناسبی دارند، نظرسنجی بنیاد آسیا قادر است با استفاده از همان سوالات و روش‌های بررسی بیش از یک دهه روندها را نشان دهد. این نظرسنجی نشان می‌دهد که سطح اعتماد عمومی نسبتاً بالایی به ارتش ملی افغانستان وجود دارد اما سطح اعتماد به پولیس ملی افغانستان کمی پایین‌تر است و روند نزولی را نشان می‌دهد.

سطح بالای اعتماد به ارتش و در مقابل اعتماد کم‌تر به پولیس، بزرگ‌ترین مشکل جامعه اجرای قانون در افغانستان را برجسته می‌کند. بدون اعتماد، مشکلات پولیس می‌تواند چند برابر شود و این می‌تواند دقیقاً در همان لحظه در یک محیط پس از صلح اتفاق بیفتد که

و این امر باعث می‌شود تا بیشتر طرف‌های ذینفع، حتا پاکستان اعتراف کنند که هیچ راه‌حلی نظامی برای این جنگ وجود ندارد و این مورد به آغاز مذاکرات صلح کمک کرد. نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغانستان از سال ۲۰۱۵ جنگ افغانستان را رهبری می‌کند و به‌طور قابل توجهی توانایی‌های خود را بهبود بخشیده‌اند.

اعتماد عمومی

اعتماد یکی از حیاتی‌ترین عوامل در ایجاد صلح است. مهم‌ترین مورد برای اجرای قانون که بخش مهمی از افغانستان پس از توافق خواهد بود، اعتماد شهروندان به افسران پولیس است. ایجاد اعتماد سخت است و به راحتی از طریق اشتباهات یا اقدامات ناعادلانه دولت از بین می‌رود. ارزیابی کاملی از چشم‌انداز اعتماد عمومی به نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغانستان پس از توافق صلح باید بررسی کند که چگونه می‌توان این اعتماد را به نیرویی که شامل جنگجویان سابق طالبان است، گسترش داد و اینکه آیا پرسنل امنیتی افغانستان نیز می‌توانند به افراد متکی

یکی از عمده‌ترین مواردی که توانایی‌های اثبات شده و قابل اعتماد سکتور امنیتی را پس از توافق صلح به چالش می‌کشد، استفاده یا انحلال نیروهای نامنظم طالبان است. با این وجود، افغانستان می‌تواند از آخرین ابتکار خلع سلاح و ادغام، برنامه‌ای که بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳ اجرا شد، درس بگیرد. اگرچه این برنامه ایرادهای زیاد داشت اما به ایجاد یک نیروی امنیت ملی منسجم در شرایطی که مشابه امروز بود، کمک کرد.

به طالبان سابق اعتماد کنند یا خیر، مساله است. برنامه‌ریزی کامل برای این چالش‌ها جهت اعتمادسازی در اصلاحات آینده بخش امنیتی بسیار حیاتی خواهد بود. اینکه هر یک از جنگ‌جویان اصلی جنگ فعلی در طی روند صلح چگونه عمل می‌کنند، بر اعتمادسازی



پرداخت‌نشدن جبران خساره‌ی آتش‌سوزی گمرک هرات؛ شاهراه‌های کلیدی هرات مسدود شد

بصیر آرین، نماینده معترضان آتش‌سوزی گمرک هرات به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که باید محمداشرف غنی هرچه زودتر جبران خساره به مالکان موترهای سوخته پرداخت کند تا زندگی خانوادگی معترضان به مشکل جدی‌تر مواجه نشود: «۵۰ روز از آتش‌سوزی گمرک اسلام‌قلعه

خانواده‌ی پرجمعیت‌اش حتا نان خوردن ندارند و باید حکومت هرچه زودتر جبران خساره پرداخت کند تا مشقت زندگی‌شان کم شود: «حکومت حق ما را پرداخت کند. من هر روز پای تلویزیون می‌نشینم که رییس‌جمهور بگوید خساره پرداخت می‌کند. ما هیچ چیز به جزء این موتر نداشتیم.»

محمدحسن، حدود ۵۰ سال دارد. سه فرزندش چهار سال با کارکردن در ایران، پول برای خریداری یک موتر باربری را فراهم کردند، اما بی‌خبر از این‌که حاصل چندین سال کار طاقت‌فرسا در ایران با آتش‌سوزی در گمرک هیچ می‌شود. او به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که حالا

واجد روحانی - هرات

متضرران آتش‌سوزی گمرک اسلام‌قلعه ولایت هرات به‌دلیل پرداخت‌نشدن جبران خساره، شاهراه‌های کلیدی هرات - اسلام‌قلعه و هرات - تورغندی را روز شنبه، ۱۴ حمل مسدود کردند.

این معترضان هشدار می‌دهند تا زمانی که جبران خساره از سوی حکومت به‌خاطر آتش‌سوزی گمرک هرات پرداخت نشود، این دو شاهراه کلیدی را به روی موترهای باربری بازگشایی نمی‌کنند.

بخش عمده‌ی کالاهای وارداتی کشورهای ایران و ترکمنستان از طریق این دو شاهراه به افغانستان وارد می‌شود و مسدودشدن این شاهراه‌ها به معنی مختل شدن اقتصاد هرات شمرده می‌شود.

«جبران خساره پرداخت شود»

معترضان مدعی‌اند که ۱۲۵۴ موتر باربری‌شان به ارزش ۵۰ میلیون دالر امریکایی در آتش‌سوزی ۲۵ دلو سال ۱۳۹۹ طعمه‌ی آتش شده است.

این معترضان خیمه‌ی تحصن در فاصله حدود دوکیلومتری گمرک اسلام‌قلعه برپا کرده‌اند و هشدار می‌دهند تا هنگامی که حکومت برای‌شان جبران خساره پرداخت نکند، شاهراه‌های مهم هرات مسدود خواهد بود.

زندگی هزاران تن در هرات به‌دلیل هم‌مرز بودن با کشورهای ایران و ترکمنستان بستگی به ترانزیت دارد و هراتیان روی خریداری موترهای ترانزیتی سرمایه‌گذاری

گزارش

امر جمعی، اعتراض و قدرت

کتاب «خیابان؛ اعتراض و قدرت» رونمایی شد



عباس اسدیان

کتاب «خیابان؛ اعتراض و قدرت» روز پنجشنبه در تالار علامه محمداسماعیل مبلغ در دانشگاه ابن سینا رونمایی و بررسی شد. سید عسکر موسوی، عمر صدر، کاوه جبران، حبیب حمیدزاده و رامین کمانگر درباره این کتاب و موضوعات مرتبط به آن صحبت کردند. این کتاب ۱۴۰ صفحه‌ای در دو بخش نوشته شده که مؤسسه نشر واژه آن را چاپ کرده است. بخش اول آن (قدرت و قربانی؛ اعتراضی که نداریم) را رامین کمانگر و بخش دوم (اعتراض و اعتراض ما) را شهیر سیرت نوشته است.

این کتاب در مورد مسائلی چون اعتراض و نافرمانی مدنی، ماهیت و غایت اعتراض، چگونگی سازمان‌دهی و راه‌اندازی اعتراض، تعهد به اعتراض، قربانی‌دادن برای اعتراض، حفظ اعتراض و در کل درباره‌ی مسائل اعتراضی افغانستان می‌باشد.

سنت اعتراض

نظام‌های سیاسی ناکارآمد در طول تاریخ مورد اعتراض مردم قرار گرفته که این اعتراض‌ها نهایتاً به دو نتیجه رسیده است؛ یا آن نظام‌ها از کار افتاده و نابود شده و یا هم اعتراض‌ها منجر به یک سلسله اصلاحات شده است. این امر بیان می‌کند که در هر دو حالت «مردم» همیشه پیروز بوده و عمر نظام‌های ناپاک و توتالیتر مشرب طولانی نیست. از جهتی، می‌توان گفت کتاب «خیابان؛ اعتراض و قدرت» نیز تلاشی است برای تبیین و یا حداقل بازگویی این نکته. سید عسکر موسوی، توضیح داد که گذشته از کاستی‌ها و کمبودهایی که هر کاری می‌تواند داشته باشد، «کتاب خیابان؛ اعتراض و قدرت» چند ویژگی برجسته دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به تازه‌بودن موضوع پژوهش و کوششی در پی بومی‌سازی اندیشه یاد نمود: «این کتاب از کوشش‌های نادری است که به یکی از مسأله‌های اجتماعی حاد کشور ما پرداخته که پیش از این بدان پرداخته نشده است. همچنان، کوششی است در پی بومی‌سازی اندیشیدن و تولید فکر خودی، که به این کار هم بسیار اندک پیش از این توجه شده است.» در ادامه آقای موسوی توضیح داد که متأسفانه این اثر صرفاً به اعتراض‌های دو دهه‌ی اخیر پرداخته و این در حالی است که اعتراض‌های مدنی و تظاهرات‌ها در افغانستان پیشینه‌ی طولانی دارد. موسوی این نکته را به‌عنوان نقطه‌ضعف اثر یاد کرد: «متأسفانه که این کتاب تنها به موضوع اعتراض در بیست سال اخیر پرداخته است و این کار بزرگ‌ترین نقص کتاب است... فرهنگ اعتراض در سرزمین ما ریشه و پیشینه‌ی دراز دارد و بدون بررسی ریشه‌ای، تحقیق‌های مقطعی، ناقص و بی‌ریشه و بی‌نتیجه جلوه می‌کند.» آقای موسوی تذکر داد که «سنت اعتراض هم‌زاد سنت استبداد است و در کشور ما درست از زمانی آغاز می‌شود که استبداد به قدرت متمرکز و وابسته تبدیل می‌شود: از ۱۸۸۰ که عبدالرحمان به امارت منصوب می‌شود و افغانستان به‌عنوان یک کشور حایل با شکل و شمایل و جغرافیای فعلی متولد می‌شود.»

اعتراض و امر جمعی

کارل مارکس گفته بود «انسان پول را آفرید اما خود بنده‌ی آن شد.» بر همین اساس، بخشی بزرگی از گرفتاری‌های بشر ناشی از فعالیت‌ها و تفکرات خودش می‌باشد. احتمالاً این مورد برمی‌گردد به

«سنت اعتراض هم‌زاد سنت استبداد است و در کشور ما درست از زمانی آغاز می‌شود که استبداد به قدرت متمرکز و وابسته تبدیل می‌شود: از ۱۸۸۰ که عبدالرحمان به امارت منصوب می‌شود و افغانستان به‌عنوان یک کشور حایل با شکل و شمایل و جغرافیای فعلی متولد می‌شود.»

بین‌المللی در افغانستان حضور دارند و قادر به آموزش و مشاوره هستند و احتمالاً در آینده نیز گسترش می‌یابند. طالبان در حال حاضر اکثر پیمان‌های امنیتی پیشنهادی را رد می‌کنند و بدون شک برای یافتن ترتیبات جانشینی که طالبان بر اساس توافق صلح می‌پذیرند، به خلاقیت نیاز است، اما نکته اساسی همچنان باقی است: نیروهای امنیتی افغانستان پس از توافق به کمک بین‌المللی نیاز خواهند داشت.

یک پرسش مرتبط این است که آیا تعامل بین‌المللی ممکن است شامل ادامه حضور نیروهای نظامی باشد؟ این تصمیم محصول مذاکرات داخل افغانستان خواهد بود، اما ادامه حضور نیروهای نظامی باید عاملی در محاسبات جامعه افغانستان و جامعه بین‌المللی باشد. انتظار می‌رود هرگونه حضور نیروهای بین‌المللی بحث برانگیز، پیچیده و پرهزینه باشد. به‌طور خاص، لازم است که در مورد مأموریت و هدف از حضور هر یک از نیروهای بین‌المللی شفافیت وجود داشته باشد. یک نقش می‌تواند کمک به حمایت یا حتا اجرای توافق‌نامه صلح باشد. با این حال، حتا مأموریت‌های نظارتی یکی از ویژگی‌های مشترک در توافق‌نامه‌های صلح است، می‌تواند بحث برانگیز باشد.

دومین مسأله مهم در اصلاحات، بودجه کمکی ایالات متحده و سایر کشورهای متحد است. مبالغ بودجه فعلی با توجه به نگرانی‌های داخلی ایالات متحده پایدار نخواهد بود، حتا اگر هزینه‌های حفظ نیروهای آمریکایی در افغانستان به سرعت کاهش یابد. بنابراین صرفه جویی در هزینه باید یکی از موارد اساسی در برنامه‌ریزی اصلاحات پس از توافق باشد. حتا اگر بودجه کمک‌های امنیتی بین‌المللی به مرور کاهش یابد، جامعه بین‌المللی همچنان انتظار سطح بالایی از شفافیت و پاسخ‌گویی را دارد. هرگونه فساد از جانب دولت افغانستان باعث از دست رفتن بیشتر درآمد و اعتماد به بخش امنیتی افغانستان خواهد شد.

سومین عامل نیاز به بی‌طرف ماندن نیروهای امنیتی صرف نظر از نتیجه هر نوع خلع سلاح، از بین بردن قدرت و روند ادغام مجدد یا هرگونه کینه‌توزی نسبت به نتیجه توافق صلح در آینده است. پیکربندی مجدد نیروهای ملی امنیتی و دفاعی که منعکس‌کننده صلح با طالبان است و شامل جنگ‌جویان سابق این گروه خواهد بود، شاید با برخی از طالبان در موقعیت‌های رهبری، بیش از هر چیز هنوز غیر سیاسی تلقی می‌شود و می‌تواند به‌طور یکسان به همه شهروندان خدمت کند. از هرگونه تغییر در بخش امنیتی که بی‌طرفی نیروهای امنیتی را در معرض خطر قرار می‌دهد، باید خودداری کرد.

گزارش

دستور داد تا آتش‌سوزی مهیب گمرک هرات را بررسی کند. در رأس این هیأت غلام بهاء‌الدین جیلانی، وزیر دولت در امور رسیدگی به حوادث قرار داشت و این هیأت برای دو هفته دلائل آتش‌سوزی گمرک اسلام‌قلعه را بررسی و تثبیت خساره کرده بود.

مسئولان در وزارت دولت در امور رسیدگی به حوادث طبیعی نیز به پرسش‌های اطلاعات روز در پیوند به چگونگی بررسی آتش‌سوزی گمرک اسلام‌قلعه پاسخ ندادند.

اما بصیر آراین، نماینده معترضان، انتقاد می‌کند که این هیأت نتایج یافته‌های خود را با آنان شریک نکرده است و باید هرچه زودتر حکومت برای حل مشکل متضرران بابت جبران خساره اقدام کند.

آتش‌سوزی گمرک اسلام‌قلعه به‌دلیل نشت یک موتر حامل گاز رخ داد. رانندگان موترهای باربری مدعی‌اند که کمترین امکانات در آن زمان برای مهار آتش‌سوزی در گمرک وجود نداشت و حتا نیروهای دولتی در این گمرک بر موترها حین آتش‌سوزی شلیک کرده‌اند و اجازه خروج از گمرک را ندادند بودند.

همواره فساد در گمرک‌های کشور با موجی از انتقادات مواجه شده است و با وجود درخواست مکرر سکتور خصوصی، اما تجار مدعی‌اند که کار جدی برای از میان برداشتن فساد صورت نگرفته است.

رانندگان موترهای باربری هشدار می‌دهند که به‌دلیل وجود فساد در گمرک و نبود تجهیزات برای مهار آتش‌سوزی، بروز آتش‌سوزی دیگر در این گمرک دور از احتمال نیست.

پولیس ملی باید نقش امنیتی بیشتری را به عهده بگیرد. از آنجا که ارتش پس از توافق باید نقش امنیتی کمتری داشته باشد، حجم کار پولیس افزایش می‌یابد و نیاز است پولیس باید سریع وضعیت اعتماد را بهبود بخشد. همان‌طور که اخیراً مسائل جهانی مربوط به پولیس در کشورهای پیشرفته ثابت کرده است، اعتماد به مجریان قانون از اهمیت حیاتی برخوردار است و به راحتی از بین می‌رود.

اگرچه تصویر پولیس ملی افغانستان در حال لغزش است، این نیرو هنوز هم از بستر اعتماد برخوردار است زیرا شهروندان هنوز «به شدت یا تا حدودی موافق» اند که فرزندان خود را برای پیوستن به پولیس ملی اجازه دهند. همچنین قابل توجه است که علی‌رغم کمبود اعتماد، تقریباً نیمی از مردم افغانستان هنگام گزارش جرایم، ابتدا پولیس را انتخاب می‌کنند.

پولیس به‌ویژه باید بر جلب اعتماد ساکنان شهری تمرکز کند زیرا جرایم شهری پس از توافق صلح، به‌ویژه در مقایسه با خشونت روستایی، افزایش می‌یابد. علاوه بر این، ساکنان شهر بیش از جمعیت روستایی به امنیت و حل اختلاف به نهادهای اجرای قانون مستقر وابسته هستند.

پیکربندی مجدد سکتور امنیت برای حفظ صلح

بخش امنیت افغانستان برای حفظ و گسترش توانایی‌های فعلی، حفظ و افزایش اعتماد و پاسخ‌گویی به خواسته‌های جدید وضعیت امنیتی پس از توافق باید به پیکربندی خود ادامه دهد. افغانستان برای اطمینان از توانایی کامل تمام عناصری که در مأموریت‌های ثابت در آینده نقش دارند، باید اصلاحات سکتور امنیتی را در اولویت قرار دهد.

اصلاحات مورد نیاز در بخش امنیتی می‌تواند با اصلاحات سال ۲۰۰۳ مطابقت داشته باشد یا از آن‌ها فراتر رود، و این پیچیده‌تر خواهد بود و افغانها را با خطرات زیادی روبرو می‌سازد. پیکربندی مجدد نیروهای امنیتی باید از اصول پذیرفته شده پس از جنگ، از جمله جلب اعتماد از طریق شفافیت و اطمینان، احترام و بی‌طرفی سیاسی، در معرض نظارت شهروندان بودن، داشتن منابع و توانایی مناسب برای کارهای مورد نیاز حاصل شود.

برای اصلاح سکتور امنیتی باید چند عامل اساسی در نظر گرفته شود. نخست تلاش در حین مذاکرات، حفظ توافق‌های امنیتی دوجانبه با شرکای بین‌المللی و بودجه حاصل از آنهاست. اجرای مداوم و موثر توافق‌نامه‌های امنیتی به برنامه‌ریزی مناسب اصلاحات سکتور امنیتی بستگی دارد. نیروهای امنیتی

به‌دلیل فساد سیستماتیک و مافیایی کارمندان گمرک می‌گذرد و در این آتش‌سوزی زندگی هزاران خانواده تباہ شده است. موترهای باربری و نفت‌کش در این جهنم سوخته‌اند، اما تا حالا یک افغانی جبران خساره پرداخت نشده است.»

او پرداخت جبران خساره را شرط معترضان مبنی بر بازگشایی شاهراه‌های کلیدی هرات می‌داند: «مردم چیزی برای از دست‌دادن ندارند و در کف خیابان نشسته‌اند. موترداران با پول بیچارگی، بدبختی برای خود موتر خریدند و این موترها در آتش سوخت. اگر حکومت مسأله‌ی گمرک هرات را مشخص نکند، تبعات امنیتی و سیاسی گسترده در پی دارد و شاید به جایی برسد که مدیریت بحران از توان خارج شود.»

او می‌گوید که رانندگان موترهای باربری به مقام‌های حکومتی هیچ اعتمادی ندارند و باید رییس‌جمهور به بحران آتش‌سوزی گمرک نقطه پایان بگذارد.

رفیع تابع، سخن‌گوی وزارت مالیه به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که دفتر معاونیت ریاست‌جمهوری، هیأتی را برای بررسی آتش‌سوزی گمرک اسلام‌قلعه هرات گماشته بود و این هیأت گزارش خود را نهایی کرده است و باید دفتر امرالله صالح در این مورد پاسخ بدهد. اما معاونیت نخست ریاست‌جمهوری حاضر به پاسخ‌گویی در این مورد نشد.

پس از آتش‌سوزی مهیب گمرک اسلام‌قلعه، محمداشرف غنی، رییس‌جمهوری کشور به امرالله صالح، معاون نخست ریاست‌جمهوری

«سرشت تلخ» بشر. توماس هابز، فیلسوف سیاسی‌ای تأثیرگذار انگلیسی، گفته بود «انسان، گرگ انسان است.» برای همین است که آدم‌ها «قانون» و «حکومت» می‌سازند تا این شرارت طبیعی تا حدی کنترل شود. اعتراض‌ها و گاهی نافرمانی‌های مدنی در بعضی جوامع هم‌زمان با این که شرارت‌ها را نشان می‌دهد تقلائی است برای مهار خوی درندگی انسان‌ها. حکومت‌های غیرمردمی، با مجموعه‌ای از عاملان ناپاک، خود نشانه‌ی آشکاری است از این شرارت‌ها که برای مهارشان ضرورت کار جمعی و «اعتراض» را برای «مردم» خلق می‌کند.

اما اعتراض‌های مدنی در سال‌های پسین در افغانستان با سرنوشت غم‌انگیزی مواجه شده است. زیرا در خیلی از موارد یا از طرف حکومت سرکوب شده و یا اختلافات در

سطح رهبری این اعتراض‌ها - که اگر آن را مردمی بخوانیمش با موضوع متناقض روبه‌رو می‌شویم، زیرا از یک جهت آن را مردمی و جمعی خوانده‌ایم و از جانب دیگر بحث فردیت را به میان آورده‌ایم که کسانی رهبری آن را به عهده می‌گیرند - سرنوشت تراژیک را برای‌شان رقم زده است. نمونه‌های کلان و عمده‌ی این موارد عبارت از «جنبش روشنائی» و «رستاخیز تغییر» است. اما متأسفانه تحلیل این اتفاقات اکثراً ژورنالیستی بوده و کار عمیق و پایدار در این زمینه صورت نگرفته است. البته در این زمینه اهمیت کتاب «کوچه‌بازاری‌ها»، نوشته‌ی خادم‌حسین کریمی، را نمی‌توان نادیده گرفت. کتاب «خیابان؛ اعتراض و قدرت» را نیز می‌توان در این زمینه قرار داد، البته با تفاوت‌هایی نسبت به «کوچه‌بازاری‌ها».

حبیب حمیدزاده در سخنانش از این گفت که آدم‌ها نهادی به‌نام حکومت را برای صیانت از بشر به‌وجود آورده اما این نهاد همیشه منافع جمعی را غارت کرده است. براین اساس آقای حمیدزاده توضیح داد که چگونه می‌توان در برابر چنین نهادهایی عمل کرد. حمیدزاده بیان کرد کتاب «خیابان؛ قدرت و اعتراض» «ضرورت مقاومت و ایستادشدن در برابر قدرت‌های تمامیت‌خواه را با شیوه‌ی مسالمت‌آمیز مورد بحث قرار داده است.» آقای حمیدزاده علاوه کرد که «اعتراض‌های پسا ۲۰۰۱ همه‌شان انگیزه‌ی جمعی و ملی نداشتند. انگیزه‌ی قومی، سمتی و گاهی ماجراجویی‌های بی‌جا و بی‌ربط به جمع بودند. البته منهای جنبش تبسم، رستاخیز تغییر و جنبش روشنائی.» البته آقای حمیدزاده در اخیر اشاره کرد که «اعتراض‌های مسالمت‌آمیز در کشور ما به دهه سی و چهل خورشیدی برمی‌گردد. اعتراض‌های مدنی و مسالمت‌آمیز آن دوران همچنان برای ما الهام‌بخش‌اند.»

کاوه جبران سخنان دیگر این برنامه بود که بیشتر دیدگاه‌های انتقادی‌اش را نسبت به این اثر بیان کرد. اگرچند آقای جبران به‌لحاظ فرمی و صوری این اثر را (خصوصاً بخش اول را) عالی ارزیابی کرد اما این نکته را نیز تذکر داد که نویسنده‌های این رساله نتوانسته‌اند دیدگاه‌های‌شان را باهم متحد سازند. زیرا هر دو یک موضوع واحد را طوری ارزیابی کرده است که ممکن است برای خواننده زیاد مفهوم نباشد، و این برمی‌گردد به اتخاذ رویکردها و روش‌های متفاوت.

شبحی در حال ظهور

آقای عمر صدر، با ذکر نکاتی در مورد کتاب از حضور شبحی به‌نام «حکومت مذهبی» صحبت کرد. عمر صدر سخنانش را با ذکر نقل قولی از مارکس آغاز کرد که ۱۷۰ سال قبل از امروز گفته بود «شبحی در اروپا در حال گردش است، و آن شبح کمونیسم است.» صدر با ذکر سخنانی در مورد کتاب گفت «ما داریم به یک گروه متحجر و بینادگرا تسلیم می‌شویم، اگر تسلیم نشویم این گروه بر ما تحمیل می‌شود.» اشاره‌های آقای صدر به گفت‌وگوهای صلح، وضعیت سیاسی موجود و بازگشت یک گروه بنیادگرا به‌نام طالبان بود. البته آقای صدر «حکومت مذهبی» را در دایره‌ی کلان مورد ارزیابی قرار داد و از ظهور این شبح در حوزه تمدن ایرانی صحبت کرد.

برنامه با سخنان یکی از نویسندگان این کتاب (رامین کمانگر) به پایان رسید. آقای کمانگر از پیوند ضروری میان درک اجتماعی و انجام کار فکری صحبت کرد و گفت اگر ما به درک اجتماعی درست نرسیم نمی‌توانیم کار فکری تأثیرگذار و دقیق انجام بدهیم. ایشان گفت قبل از همه ما باید بدانیم که مسائل اساسی جامعه ما را چه چیزی شکل می‌دهد. براین اساس، آقای کمانگر تذکر داد که اساسی‌ترین موضوعاتی که یک روشنفکر افغانستانی باید آن را درک کند عبارت از مسائل چون «قومیت»، «حکومت‌داری و جامعه مدنی»، «آموزش و پرورش» و «تاریخ» است. آقای کمانگر از این موارد به‌عنوان «بنیاد فهم اجتماعی» نام برد.

گفت‌وگوی بایدن و زلنسکی در میان افزایش تنش میان روسیه و اوکراین

«دست از تهدید و ارباب علیه اوکراین بردارد».
پنتاگون همچنین اعلام کرده در پی افزایش تنش‌ها و تهاجمات روسیه، وضعیت هشدار را در مراکز استقرار نیروهای نظامی آمریکا در اروپا افزایش داده است.
آقای زلنسکی می‌گوید از آغاز سال جاری میلادی ۲۰ نیروی نظامی اوکراین در جریان خشونت‌ها در مناطق شرقی کشور کشته شده‌اند.
روسیه منکر ارسال نیروهای نظامی به مناطق شرق اوکراین و حمایت تسلیحاتی از جدایی‌طلبان این کشور است.
از زمان آغاز اعتراضات در اوکراین در سال ۲۰۱۴ علیه دولت ویکتور یانوکویچ و فرار وی به مسکو، خشونت و جنگ با جدایی‌طلبان به مرگ بیش از ۱۳ هزار اوکراینی منجر شده است.

افزایش یافته است.
دمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین روز جمعه اعلام کرد که اگر آمریکا به اوکراین نیروی نظامی ارسال کند، روسیه مجبور به پاسخ دادن خواهد بود: «بی‌شک، چنین سناریویی به افزایش تنش منجر خواهد شد و روسیه مجبور خواهد شد اقدامات و تدابیر بیشتری برای حفظ امنیت خود انجام دهد.»
وی مدعی شد روسیه «هرگز کسی را تهدید نکرده و نمی‌کند.»
روز جمعه همچنین روسیه اعلام کرد در مرزهایش با اوکراین دست به آزمایش نظامی خواهد زد. بیش از ۱۵ هزار نیروی نظامی روسیه به این منطقه گسیل شده‌اند.
وزرای خارجه و دفاع آمریکا به روسیه هشدار داده‌اند که

روسیه نیز هشدار داده‌اند اگر غرب مداخله نظامی کند، جنگی «ویرانگر» در خواهد گرفت.
روسیه در سال ۲۰۱۴ منطقه کریمه اوکراین را ضمیمه خاک خود کرد و منطقه دونباس این کشور نیز تحت کنترل نیروهای جدایی‌طلب مورد حمایت دولت مسکو است.
اتحادیه اروپا و آمریکا تحریم‌هایی علیه روسیه به خاطر اشغال خاک اوکراین وضع کرده‌اند.
آقای زلنسکی از گفت‌وگو با همتای آمریکایی خود اظهار خشنودی کرده و گفته است همکاری با آمریکا برای اوکراین حیاتی است.
این اولین تماس آقای بایدن با زلنسکی از زمان آغاز به کار وی در کاخ سفید از ماه ژانویه است.
طی هفته‌های گذشته درگیری در مرزهای شرقی اوکراین

اطلاعات روز: در پی افزایش تنش میان روسیه و اوکراین بر سر تجمع نظامیان روس در مرزهای شرقی این کشور، رییس‌جمهور آمریکا طی تماس تلفنی با همتای اوکراینی خود از «حمایت بی‌دریغ» واشینگتن از کی‌یف خبر داد.
به نقل از رادیو فردا، جو بایدن، رییس‌جمهوری آمریکا، روز شنبه، ۱۴ حمل در تماس تلفنی با ولودیمیر زلنسکی همتای اوکراینی خود تاکید کرد در مقابل ادامه تهاجم روسیه در منطقه دونباس و کریمه، حمایت آمریکا از حاکمیت و تمامیت ارضی اوکراین بی‌دریغ خواهد بود.
اوکراین اخیراً از تجمع نیروهای نظامی روسیه در مناطق شرقی کشور خبر داد که در کنترل نیروهای جدایی‌طلب مورد حمایت روسیه است.
اروپا و آمریکا در مورد تحرکات روسیه هشدار داده و مقامات

کشته‌شدن یک مامور پولیس در حمله به کنگره آمریکا؛ نیمه افرشته‌شدن پرچم‌ها

رابرت کونتی، سرپرست اداره پولیس واشنگتن دی سی در کنفرانسی خبری گفت: «ما مسئولیت داریم که به این حادثه رسیدگی کنیم و این کار را هم خواهیم کرد.»
نانسی پلوسی، رییس مجلس نمایندگان آمریکا گفته است قلب آمریکا شکسته و آقای ایوانز را شهید دموکراسی خوانده است.
تدابیر امنیتی بیشتری در اطراف محل استقرار ساختمان کنگره به اجرا گذاشته شده است.
کنگره آمریکا در حال حاضر جلسه ندارد، به همین دلیل بیشتر سیاستمداران در زمان حمله در محل ساختمان نبودند.

به دستور ایست پولیس توجه نکرد، یکی از نیروهای پولیس به سوی او تیراندازی کرد که بعداً به دلیل جراحات وارد جان خود را از دست داد.
پولیس گفته بنظر می‌رسد که این حمله «تروریستی» نبوده است.
در این حمله یک نیروی پولیس هم کشته و پولیس دیگر هم به دلیل جراحات وارده به بیمارستان منتقل شد.
نواه گرین ۲۵ ساله که از سوی پولیس عامل این حمله معرفی شده، سابقه کفبری نداشته است.
این حادثه نزدیک به ۳ ماه بعد از ناآرامی‌های کنگره روی داده است.



اطلاعات روز: در پی حمله روز گذشته به کنگره آمریکا و کشته شدن یک مامور پولیس، پرچم‌ها در تمام ساختمان‌های فدرال به حال نیمه افرشته درآمده است.
جو بایدن، رییس‌جمهوری آمریکا گفته است که از شنیدن خبر کشته شدن یک مامور پولیس «غمگین شده است.»
به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، روز گذشته مردی سوار بر یک خودروی آبی سدان با سرعت به سوی حفاظ امنیتی در ورودی شمالی کنگره که در محافظت پولیس بود، راند.
به گزارش پولیس، راننده سپس از خودروی خود چاقو به دست پیاده شد تا به ماموران حمله کند و وقتی

ایران احتمال پذیرش گام‌به‌گام رفع تحریم‌های آمریکا را رد کرد

ایران از مزایای برجام را متوقف کرده، کار درستی است که باید انجام شود.
همزمان با اظهار نظرهای متفاوت درباره احتمال رفع تحریم‌ها، احسان خاندوزی رییس کارگروه مقابله با تحریم‌ها در مجلس شورای اسلامی خبر داده که در نامه ای به رؤسای جمهور، رییس مجلس و رییس قوه قضائیه و همچنین دبیر شورای عالی امنیت ملی نوشته است که رویکرد وزارت خارجه ایران در پیگیری گام به گام لغو تحریم‌ها باید اصلاح شود.»
وی در گفت و گو با خبرنگاری فارس گفته است که در این نامه خواستار عمل به شرط آیت الله خامنه‌ای از سوی وزارت خارجه شده است.
محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران دیروز در توییتی هدف از مذاکرات اتمی اخیر با شرکای توافق هسته‌ای برجام را «پهلی کردن سریع برداشتن تحریم و اقدامات هسته‌ای برای رفع هماهنگ همه تحریم‌ها و سپس توقف اقدامات جبرانی از طرف ایران» اعلام کرده بود.

این تحولات و اظهارات آقای صالحی باعث بروز خوشبینی به احتمال رفع تحریم‌ها شده بود اما اکنون سخن‌گوی وزارت خارجه ایران می‌گوید موضع این کشور تغییر نکرده است.
آیت‌الله علی خامنه‌ای رهبر ایران پیش از این گفته بود که ایالات متحده باید اول تمام تحریم‌ها را رفع کند و ایران با راستی آزمایشی رفع تحریم‌ها اگر آن را عملیاتی شده تشخیص داد، به برجام باز خواهد گشت.
در برابر اعضای دولت جو بایدن رییس‌جمهور آمریکا این شرط را رد کرده و گفته اند که ایران ابتدا باید به طور کامل به اجرای برجام بازگردد تا ایالات متحده هم اقدام متقابلی انجام دهد.
این مواضع باعث بروز وضعیتی شده که رییس سازمان انرژی اتمی از آن با عنوان «بن‌بست» یاد کرده و گفته بود دو طرف راهی برای دور زدن آن یافته‌اند.
با این همه راب مالی نماینده وزارت خارجه آمریکا در امور ایران گفته است که رفع تحریم‌هایی که برخورداری

کمسیون برجام که ساعاتی پیش از آن به صورت ویدئویی برگزار شده بود، گفته «مساله دارد به گونه‌ای مدیریت می‌شود که آن بحث «اول تو، اول تو»، دارد دور زده می‌شود.»
آقای صالحی گفته بود «بازگشت ایران به تعهدات هسته‌ای زمان‌بر است و حداقل به دو سه ماه زمان نیاز دارد ولی ایران می‌تواند در شروع کار، برخی اقدامات را متوقف کند و سانتریفیوژهای جدید را نصب نکند و درباره درصد غنی‌سازی توافق کند و بلافاصله غنی‌سازی ۲۰ درصد را متوقف کند و در برابر ایالات متحده دست به اقداماتی همچون توقف اجرای تحریم‌ها بزند.
ایران با کشورهای عضو توافق هسته‌ای یعنی بریتانیا، فرانسه، چین، روسیه و آلمان توافق کرده‌اند که گفت و گوی ویدئویی اخیر را به صورت حضوری در روز سه شنبه هفته جاری در وین ادامه دهند و ایالات متحده هم نماینده‌ای برای مذاکرات غیرمستقیم با ایران به وین اعزام کند بدون آنکه در نشست حضور داشته باشد.

اطلاعات روز: یک روز پس از اظهارات علی‌اکبر صالحی رییس سازمان انرژی اتمی ایران و ابراز خوشبینی درباره احتمال رفع گام به گام تحریم‌های آمریکا در برابر اقدامات مرحله به مرحله ایران برای بازگشت به تعهدات توافق هسته‌ای برجام، وزارت خارجه ایران، تلویحا این اظهارات را رد کرده است.
به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، سعید خطیب‌زاده سخن‌گوی وزارت خارجه ایران به پرس‌توی شبکه تلویزیونی انگلیسی زبان حکومت این کشور گفته است شرط بازگشت کامل ایران به تعهدات برجام «رفع کامل تحریم‌های آمریکا و راستی‌آزمایی آن است.»
آقای خطیب زاده گفته است «همانطور که بارها به روشنی گفته شده است، هیچ طرح گام به گامی مطرح نیست و سیاست قطعی جمهوری اسلامی ایران برداشته شدن همه تحریم‌های آمریکاست.»
رییس سازمان انرژی اتمی ایران یک شب پیش از این با حضور در شبکه اجتماعی کلاب‌هاوس درباره نشست

گزارش چند سازمان حقوق‌بشری روسیه از «جنایت جنگی» این کشور در سوریه



خارجی مخرب می‌دانند که مداخله نظامی و سیاستش به تقویت جنایتکار جنگی در راس کشور [بشار اسد] کمک کرده است.»
در این گزارش آمده «برخی از مصاحبه‌شوندگان اعلام کرده‌اند خودشان یا دیگر نزدیکانشان قربانی بمباران روسیه شدند.»
این گزارش از دولت مسکو خواسته که تحقیقات مستقلی را درباره بمباران ارتش روسیه در سوریه انجام دهد و به خانواده قربانیان غیرنظامی این حملات غرامت بپردازد.
اولگ اورلف، یکی از اعضای سازمان غیردولتی مموریال، در یک نشست خبری، بمباران ارتش روسیه علیه غیرنظامیان سوریه را با شیوه‌های ارتش روسیه در جنگ چچن در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ مقایسه کرد.

مداخله نظامی روسیه روند جنگ سوریه را به قیمت قربانی کردن بسیاری از غیرنظامیان تغییر داده است.
سازمان غیردولتی «مموریال» و تعداد دیگری از سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری روسیه این گزارش ۲۰۰ صفحه‌ای را بر اساس اظهارات بیش از ۱۵۰ شاهد رویدادهای سوریه تهیه و تدوین کرده‌اند.
یکی از ساکنان شهر حمص در مرکز سوریه که در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ در محاصره قرار داشت، در این گزارش گفته است: «قربانیان شش ماه آغازین بمباران روسیه، بیشتر از دو سال بمباران ارتش سوریه بود.»
سازمان‌های حقوق بشری در گزارش خود نوشته‌اند: «اکثریت قریب به اتفاق مصاحبه‌شوندگان ما روسیه را به عنوان یک ناجی نمی‌دانند، بلکه آن را یک نیروی

اطلاعات روز: چند سازمان غیردولتی حقوق بشری در روسیه در گزارشی مسکو را به ارتکاب جنایت جنگی در سوریه متهم کردند.
به نقل از ایران اینترنشنال، این گزارش که اولین گزارش سازمان‌های حقوق بشری روسیه درباره جنگ سوریه است، روز جمعه سیزدهم حمل و به مناسبت دهمین سالگرد این جنگ منتشر شد.
در این گزارش به موضوع قربانیان عملیات نظامی روسیه در سوریه پرداخته شده که در رسانه‌های رسمی روسیه به آن پرداخته نمی‌شود.
همچنین نتیجه‌گیری این گزارش، با سیاست رسمی اعلام شده از سوی روسیه مغایرت دارد.
مسکو بارها اعلام کرده که حضورش در سوریه برای مبارزه با تروریسم است، اما این گزارش تاکید می‌کند

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

• سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

• سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

• گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودرملک نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی

• مترجم: جلیل پژواک

• ویراستار: شیر مهربار

• صفحه‌آرا: رضا مظفری

• ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا

mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

• ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷

• آدرس: کابل، کارته‌سه



چرا خواب دوره‌ی نوجوانی برای سلامت روان بسیار مهم است؟

کلودیا هاموند، بی‌بی‌سی
مترجم: جلیل پژواک

دیروقت صبح است و بچه‌ها هنوز خوابند، آیا باید سریع بروید و آن‌ها را از گوش‌شان گرفته از رخت‌خواب‌شان بلند کنید؟ این فکر برای والدین شاید وسوسه‌انگیز باشد، اما پاسخ درست به آن، احتمالا منفی است. شواهد روزافزون نشان می‌دهد که خواب در دوره‌ی نوجوانی برای سلامت روانِ حال و آینده نوجوانان مهم است.

تعب‌آور نیست که بی‌خوابی شدید یا اختلال جدی در خواب یکی از رایج‌ترین علائم افسردگی در میان بزرگسالان است. گذشته از آن، شما هرچقدر هم احساس خستگی کنید، اگر ذهن‌تان درگیر باشد، خواب‌رفتن برای‌تان دشوار است. این امر در مورد بزرگسالان نیز صدق می‌کند؛ حدود ۹۲ درصد بزرگسالان مبتلا به افسردگی از مشکلات خواب شکایت دارند.

در این میان چیزی که شاید کم‌تر به چشم می‌آید این است که برای برخی از افراد، مشکلات خواب ممکن است قبل از افسردگی شروع شود و خطر مشکلات روانی را در آینده افزایش دهد. آیا این به این معناست که خواب در نوجوانان باید جدی‌تر گرفته شود؟ و آیا جدی‌تر گرفتن این مسئله می‌تواند بعداً منجر به کاهش خطر ابتلا به افسردگی شود؟ در مطالعه‌ای که در سال ۲۰۲۰ منتشر

شد، «فیث اورچارد»، روان‌شناس «دانشگاه ساسکس» داده‌های مربوط به گروه بزرگی از نوجوانان را که از ۱۵ تا ۲۴ سالگی تحت نظر بودند، بررسی کرد. یافته‌های اورچارد نشان می‌دهد نوجوانانی که در ۱۵ سالگی گزارش داده بودند که با مشکلات خواب دست‌وپنجه نرم می‌کنند، لیکن در آن‌زمان دچار افسردگی یا اضطراب نبودند، احتمال این‌که با رسیدن به سن ۱۷، ۲۱ یا ۲۴ سالگی دچار اضطراب یا افسردگی شوند، بالاتر از هم‌سن و سالان‌شان است که در ۱۵ سالگی از بدخوابی گزارش نداده بودند.

مشکلات خواب در بزرگسالان نیز می‌تواند پیش‌بینی‌کننده افسردگی در آینده باشد. یک فراتحلیل از ۳۴ مطالعه که در آن‌ها ۱۵۰ هزار نفر طی یک دوره سه ماهه تا ۳۴ ساله تحت نظر گرفته شده بودند، نشان داد که اگر افراد در نوجوانی دچار مشکلات خواب باشند، خطر نسبی ابتلای آن‌ها به افسردگی در سال‌های بعدی زندگی‌شان دوبرابر می‌شود. البته این فراتحلیل نتیجه‌گیری نمی‌کند که همه‌ی مبتلایان بی‌خوابی بعداً دچار افسردگی می‌شوند، زیرا اکثر مردم نمی‌شوند و مطمئناً افراد دچار بی‌خوابی به تنها چیزی که نیاز ندارند، نگرانی در مورد آنچه است که ممکن در آینده برای‌شان اتفاق بیفتد.

با این حال می‌توان دید که چرا در بعضی موارد، کم‌بود خواب ممکن است به سلامت

روان ضعیف منجر شود. کمبود خواب تأثیرات منفی عمیقی بر فرد می‌گذارد، از جمله تمایل به گوشه‌گیری از جمع دوستان و خانواده، بی‌انگیزگی و افزایش کج‌خلقی که همه می‌تواند بر کیفیت روابط فرد تأثیر بگذارد و خطر ابتلا به افسردگی را برای وی افزایش دهد. در این میان عوامل بیولوژیکی نیز وجود دارد که باید در نظر گرفت. کمبود خواب می‌تواند منجر به افزایش التهاب در بدن شود که در پیدایش مشکلات سلامت روان نقش دارد.

پژوهش‌گران درحال حاضر سرگرم بررسی رابطه بین اختلالات خواب و سایر مشکلات سلامت روان هستند. «راسل فاستر»، عصب‌پژوه برجسته «دانشگاه آکسفورد» دریافته است که این رابطه تنها در افسردگی وجود ندارد. اختلال در ریتم شبانه‌روزی بدن (ساعت بیولوژیکی و طبیعی بدن برای خواب و بیداری) در میان افراد مبتلا به اختلال دوقطبی یا اسکیزوفرنی غیرمعمول نیست. در برخی موارد، ساعت بدن این افراد می‌تواند به قدری نامنظم شود که افراد خود را تمام شب بیدار و تمام روز در خواب پیدا کنند.

«دانیل فریمن»، روان‌شناس بالینی و همکار راسل فاستر می‌خواهد که مشکلات خواب در امر مراقبت‌های سلامت روان در اولویت بالاتری قرار گیرد. از آن‌جا که مشکلات خواب در تشخیص‌های مختلف معمول است،

به‌عنوان یک عارضه‌ی خاص مورد توجه قرار نمی‌گیرد. دانیل فریمن احساس می‌کند که گاهی اوقات مشکلات خواب نادیده گرفته می‌شود، در صورتی که باید با آن‌ها مقابله کرد. حتا وقتی فرد پیش از دچار شدن به اختلالات خواب دچار مشکلات روانی باشد، کمبود خواب ممکن است مشکلات روانی‌اش را تشدید کند. از این گذشته فقط یک شب بی‌خوابی می‌تواند خلق و خوی و فکر یک فرد را عمیقاً متأثر کند.

این رابطه‌ی پیچیده بین خواب و سلامت روان با این یافته که اگر افسردگی را درمان کنید، مشکلات خواب از بین نمی‌رود، پیچیده‌تر می‌شود. همچنین دیده شده است که چگونه درمان‌های روان‌شناختی که به افراد کمک می‌کند اندیشناکی بیش‌از‌حد (یا نشخوار افکار منفی) را کاهش دهند، به راحت‌تر خوابیدن آن‌ها نیز کمک کند. اما در سال ۲۰۲۰، «شرلی رینولدز»، روان‌شناس بالینی در «دانشگاه ریدینگ» و تیمش سه روش روان‌درمانی متفاوت را برای درمان افسردگی آزمایش کردند. این سه روش در کاهش افسردگی به یک اندازه مؤثر بودند، اما فقط مشکلات خواب نیمی از شرکت‌کنندگان آزمایش را حل کردند. برای نیمی دیگر، بی‌خوابی همچنان ادامه یافت و این نشان می‌دهد که بی‌خوابی این افراد مستقل از افسردگی آن‌ها بوده و باید به‌طور جداگانه مورد توجه قرار گیرد.

با این وجود مشکلات خواب و مشکلات سلامت روان می‌توانند از عین علل، مثلا حوادث تروماتیک یا منفی یا اندیشناکی بیش از حد یا عوامل مختلف ژنتیکی، ناشی شوند. همچنین مطالعات نشان داده است که ژن‌های درگیر در «مسیرهای سروتونین» و عملکرد دوپامین نیز هم در بی‌خوابی و هم در افسردگی نقش دارند. عین دریافت در مورد ژن‌هایی وجود دارد که ساعت شبانه‌روزی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

و همان‌طور که می‌دانیم بی‌خوابی و مشکلات روانی احتمالا یک‌دیگر را تشدید می‌کنند و در نتیجه مشکلات بی‌خوابی و مشکلات سلامت روان بدتر می‌شود. شما مضطرب هستید پس نمی‌توانید بخوابید؛ شما نمی‌توانید بخوابید پس اضطراب‌تان بیشتر می‌شود. این چرخه تشدید می‌شود همین‌طور ادامه می‌یابد.

همچنین ممکن است که کمبود خواب بیشتر یک سیگنال هشداردهنده‌ی اولیه باشد تا علت افسردگی در سنین بعدی. نگرانی‌ای که شما را نمی‌گذارد بخوابید در بعضی موارد می‌تواند علامت اولیه از مشکلات سلامت روانی جدی‌تری باشد که منتظران است.

فاستر متقاعد شده است که از منظر بیولوژیکی بهترین راه برای درک این شبکه‌ای از همبستگی‌ها و علیت‌ها، مطالعه تأثیراتی

است که اختلال ریتم شبانه‌روزی می‌تواند بر مغز داشته باشد. او می‌گوید که ما باید به تعاملات پیچیده بین چندین ژن، مناطق مغزی و پیام‌رسان‌های عصبی را بررسی کنیم تا بفهمیم چه اتفاقی می‌افتد.

بنابراین شاید لازم است که مشکلات مداوم مرتبط با خواب را در نوجوانان و بزرگسالان جدی‌تر بگیریم. مداخلات درمانی ساده و در بعضی موارد موفقیت‌آمیز است. آنچه که از قبل از روی یک فراتحلیل ۴۹ مطالعه مشخص شده این است که مقابله با کم‌خوابی در بین افراد دچار بی‌خوابی که از قبل علائم افسردگی را تجربه کرده‌اند نه‌تنها به خواب بهتر کمک می‌کند بلکه باعث کاهش افسردگی نیز می‌شود.

آزمایش بزرگی که تحت نام (Oasis) به سرپرستی دانیل فریمن در ۲۶ دانشگاه بریتانیا انجام شد، نشان داد که «رفتاردرمانی شناختی» دیجیتال برای دانشجویان مبتلا به بی‌خوابی، نه‌تنها به خواب آن‌ها کمک کرد بلکه باعث کاهش توهم و پارانویا در آن‌ها شد که هر دو علائم روان پریشی به شمار می‌آیند. سوال اصلی این است که آیا مداخلات درمانی خواب می‌تواند از بروز مشکلات سلامت روان جلوگیری کند یا نه. برای پاسخ به این پرسش، آزمایش‌های طولانی‌مدت در مقیاس بزرگ لازم است. یکی از مزایای مداخلات درمانی زود هنگام و بهتر برای جلوگیری از کم‌خوابی (هم برای مقابله با این مشکل و هم برای کاهش خطر بالقوه مشکلات سلامت روان در آینده) این است که در ارتباط با بی‌خوابی باورهای منفی کم‌تری وجود دارد و بنابراین ترغیب افراد دچار مشکلات خواب برای مراجعه به درمان ممکن است آسان‌تر باشد.

ضمناً هرکسی که در خوابیدن مشکل دارد می‌تواند روش‌هایی را امتحان کند که ثابت شده بیشترین تأثیر را دارند. برای مثال: اطمینان حاصل کنید در طول روز نور کافی دریافت می‌کنید (در بیشتر افراد، نور صبح)، بیشتر از ۲۰ دقیقه چرت نزنید، اواخر شب غذا نخورید، ورزش نکنید، کافئین هم وارد بدن‌تان نشود، شب‌ها از خواندن ایمیل‌های‌تان خودداری کنید، از بحث در مورد موضوعات استرس‌آور در رخت‌خواب دوری جویید، اتاق را خنک، ساکت و تاریک نگه دارید و سعی کنید هر روز در یک ساعت مشخص به رخت‌خواب برای خوابیدن بروید و در یک ساعت مشخص صبح از خواب بیدار شوید.

پس خواب بهتر به تنهایی بحران سلامت روان را حل نمی‌کند. اما آیا می‌تواند در طولانی‌مدت تفاوتی ایجاد کند؟ یقیناً؛ اما حتا اگر این‌گونه نباشد، همان‌طور که نوجوانان خواب‌آلود می‌دانند، برای رفع خواب‌آلودگی هیچ چیز بهتر از یک خواب خوب نیست.

تحلیل

غصه‌های فدرال



واحد فدرال به یک افغانستان کوچک‌تر در دل افغانستان بزرگ‌تر تبدیل خواهد شد. نظمی از این دست همین حالا در افغانستان برقرار است. ساده‌اندیشی است اگر گمان کنیم که سطح آگاهی عمومی و هم‌پذیری سیاسی ما همین باشد که اکنون هست ولی نظام فدرال به نحوی از این خندق فراتر بجهد و به ما نعماتی را ارزانی دارد که به‌عنوان یک ملت شایسته‌ی دریافت‌شان را نداشته باشیم. چرا انتظار داریم غصه‌های فدرال ما با غصه‌های کنونی‌مان فرق داشته باشند؟

که حالا هست؟ چه چیزی به ما می‌گوید که اگر ما چند افغانستان کوچک داشته باشیم، در این افغانستان‌های کوچک ظرفیت بهتری برای حل مشکلات‌مان خواهیم داشت؟

آنچه بیشتر محتمل است این است که در یک نظام فدرال نیز دعوای موجود قومی بر سر توزیع قدرت فدرال و تخصیص منابع همچنان سر جای خود خواهند ماند. کشمکش‌های میان‌طایفه‌ای در درون هر قوم و هر واحد فدرال با قوت بیشتر سر برخواهند آورد و هر

داشته باشد.

حال، پرسشی که مدافعان فدرالیسم به آن نمی‌پردازند این است که از کجا می‌دانند که سیستم فدرال این همه خیر و برکت خواهد داشت. این سوال از این جهت مهم است که ما در تاریخ خود هیچ وقت نظام فدرال را تجربه نکرده‌ایم تا با ارجاع به تجربه‌ی تاریخی خود مزایای آن را بشمریم. ارجاع به نظام‌های فدرال موفق در جهان نیز گرهی از کار ما باز نمی‌کند. برای این که در نظام‌های فدرال کامیاب در جهان عناصری در حیات فردی و جمعی و طرز فکر و فرهنگ آن مردمان می‌یابیم که در حیات فردی و اجتماعی ما غایب‌اند.

ما اما از آن چیزهایی که می‌توانند به‌عنوان سازنده‌ی سیستم فدرال در کشور ما مورد توجه قرار بگیرند، تجربه‌ی مکرر داریم. در این سناریو دقت کنید: همین حالا در افغانستان سیستم فدرال برقرار است. اسناد حقوقی و قانونی‌اش نوشته نشده، اما روح فدرالیسم (تا آنجا که افغانستان فعلاً می‌تواند فدرال شود) بر مناطق مختلف افغانستان حکومت می‌کند. این را از کجا می‌گوییم؟ فرض کنید سال آینده نظام افغانستان در قانون اساسی فدرال شد. چه اتفاقی خواهد افتاد؟ دقیقاً همین وضعیتی که حالا برقرار است در واحدهای فدرال برقرار خواهد شد. دوستم و رقیبانش در همان حوزه‌ی نفوذ خود خواهند ماند؛ عطا و هم‌راهانش با همین روشی که حالا دارند وارد تعاملات خواهند شد؛ پشتون‌ها کمابیش همین نظم و سیستم موجود را میان خود خواهند داشت؛ هزاره‌ها نیز چیز متفاوتی را تجربه نخواهند کرد. چه چیزی به ما می‌گوید که وضعیت حیات جمعی فعلی ما و طرز فکر و فرهنگ و توان مشکل‌گشایی ما در یک نظام فدرال همین‌ی نخواهد بود

سخن‌چیداد هاتف

بسیاری از هموطنان وقتی درباره‌ی فدرالیسم سخن می‌گویند، آرزوهای خود را در آینه‌ی این سیستم بازتاب می‌دهند. یعنی دوست دارند نظام فدرال چنان آرزوهایی را برآورده کند. این عیبی ندارد. بالاخره هر قدمی که برمی‌داریم باید با یک چشم‌انداز خواستنی همراه باشد. اما قسه این است که فدرالیسم در افغانستان «در واقع» چگونه رخ می‌نماید. آنچه ما می‌گوییم «باید» از فدرالیسم حاصل شود یک بحث است و آنچه «در واقع» رخ خواهد نمود ممکن است چیزی دیگر باشد. ولی نام بردن از این مزایا کافی نیست. مدافعان فدرالیسم باید موضع خود را با تحلیل‌های دقیق نیز همراه کنند. به بیانی دیگر، باید نشان بدهند که چرا فکر می‌کنند همان عناصری که در حیات اجتماعی و نظام حکومتی فعلی ما مایه‌ی خیر و برکت نیستند، در یک نظام فدرال مایه‌ی خیر و برکت خواهند شد. ادعای اساسی مدافعان سیستم فدرال این نیست (و نمی‌تواند این باشد) که در سیستم فدرال منابع، امکانات و سرمایه‌ی انسانی کشور به‌طور معجز‌آسایی دوبرابر یا چندبرابر خواهند شد یا رفتارهای فردی و جمعی ساکنان این آب و خاک به گونه‌ی عمیق تغییر خواهند کرد یا جغرافیا و اهمیت ژئوپولیتیک مملکت یکسره دیگرگون خواهد شد. تأکید اصلی مدافعان فدرالیسم بر نحوه‌ی مدیریت سیاسی است. آنان معتقدند که یک رژیم مدیریت فدرال ما را از بند یک نظام متمرکز غیرعادلانه رها خواهد کرد و ظرفیت‌های سرکوب‌شده‌ی مردمان مختلف این کشور را شکوفا خواهد ساخت. آن وقت دیگر حکومت مرکزی نخواهد توانست در توزیع مساویانه‌ی مصیبت دست بازی

خادم حسين كرىمى

در اوایل ماه جدی، روزنامه‌های هندوستان تایم، به نقل از دیپلمات‌ها و مقامات امنیتی افغانستان فاش کرد که ریاست امنیت ملی افغانستان، یک گروه دهنفردی از جاسوسان چینی را در کابل بازداشت کرده‌اند. براساس افشاگری این روزنامه‌های هندی و گزارش‌هایی که پس از آن در رسانه‌های افغانستان منتشر شد، گفته می‌شد که این گروه جاسوسی چینی با شبکه‌ای حقانی در ارتباط بوده‌اند. این روزنامه مدعی شده بود که حدود سه هفته پیش، این جاسوسان در کابل بازداشت شده بودند.

حکومت افغانستان تمایلی به رسانه‌های شدن خبر بازداشت این شبکه‌ی جاسوسی و ابراز نظر در مورد آن را نداشت. هرچند زمانی که خبر این اتفاق به‌صورت گسترده در رسانه‌ها بازتاب یافت، حکومت در یک ناگزیری، چاره‌ای جز تأیید این اتفاق نداشت و احمدضیا سراج، رئیس عمومی امنیت ملی افغانستان چند روز بعد به‌صورت سر بسته و کوتاه بدون ارائه‌ی جزئیات، دستگیری این شبکه‌ی جاسوسی چینی در کابل توسط نیروهای امنیت ملی افغانستان را تأیید کرد.

به نقل از منابع آگاه در حکومت که نمی‌خواهند هویت‌شان فاش شوند، با درز خبر این رخداد در رسانه‌ها، رئیس‌جمهور غنی بر ریاست امنیت ملی حکومت‌اش خشمگین شده و در دیداری حضوری، از او توضیح می‌خواهد. آقای سراج، در پاسخ به خشم رئیس‌جمهور در این دیدار، مسئولیت درز خبر این اتفاق به رسانه‌ها را به عهده‌ی اجمل عبید عابدی، معاون اپراتیوی پیشین امنیت ملی واگذار کرده و معاونش را در افشاشدن خبر این اتفاق مقصر می‌داند.

به نقل از منابع ما در حکومت، رئیس‌جمهور غنی در این دیدار از احمدضیا سراج می‌خواهد یک استعفای بدون تاریخ بنویسد. تحت فشار رئیس‌جمهور غنی، آقای سراج استعفانامه‌ی بدون تاریخ‌اش از ریاست عمومی امنیت ملی را به رئیس‌جمهور تحویل می‌دهد.

منابع ما تأیید می‌کنند که پس از گرفتن استعفانامه‌ی بدون تاریخ از احمدضیا سراج، دومین وزیر سکتور امنیتی نیز مجبور به نوشتن استعفانامه‌ی بدون تاریخ شده است. حدود ۴ هفته قبل، رئیس‌جمهور غنی در دیداری حضوری با مسعود اندرابی، وزیر داخلی پیشین، از او می‌خواهد ۱۲۵ نفر از فرماندهان و منسوبین پولیس در ولایت‌های پروان، پنجشیر، بغلان، کاپیسا، قندوز، تخار و بدخشان را از سمت‌های‌شان برکنار و به‌جای آن‌ها افراد مورد نظر و پیشنهادی ارگ را منصوب کنند. مسعود اندرابی در پاسخ به رئیس‌جمهور می‌گوید که همین اکنون فرمانده پولیس ۲۷ ولایت پشتون‌تبار است و چنین عزل و نصب‌ها که انحصار قومی را شدیدتر می‌کند، به صلاح حکومت نیست. آقای اندرابی تحت فشار و اصرار رئیس‌جمهور به عزل ۱۲۵ فرد مورد نظر ارگ ریاست‌جمهوری و نصب افراد پیشنهادی به‌جای مقام‌های عزل‌شده مشروط بر این‌که حکم عزل این افراد و نصب افراد جدید از ارگ ریاست‌جمهوری صادر شود، رضایت می‌دهد. رئیس‌جمهور خواستار آن بوده که پیشنهاد عزل ۱۲۵ مقام پولیس در هفت ولایت و نصب افراد جدید در این سمت‌ها از وزارت داخله به ارگ ریاست‌جمهوری فرستاده شود. وزیر داخلی پیشین به هیچ‌صورت زیر بار نمی‌رود و در پایان دیدار، رئیس‌جمهور از او می‌خواهد که استعفانامه‌ی بدون تاریخ بنویسد. مسعود اندرابی تحت فشار رئیس‌جمهور از میان عزل ۱۲۵ مقام پولیس از هفت ولایت و تحویل‌دادن استعفانامه‌ی بدون تاریخ، دومی را انتخاب می‌کند.

پس از سقوط یک چرخبال ارتش در ولسوالی بهسود ولایت میدان وردک و پذیرش مسئولیت این اتفاق توسط عبدالغنی

آشفنگی بروکراتیک در کابینه؛

استعفاهای اجباری و معاوضه‌ی وزارت‌ها



اداره‌ی امور ریاست‌جمهوری برای تصاحب صلاحیت‌های وزارت امور خارجه را تحمل کند. اتمر به رئیس‌جمهور می‌گوید به‌دلیل آشفنگی بروکراتیک و بی‌اعتنایی محب و فضلی به اصول نهادی و صلاحیت‌های وزارت خارجه، اتوریته و حرمت این وزارت به‌صورت خاص و کلیت حکومت به‌صورت عام مخدوش شده و به همین دلیل، ایالات متحده بی‌اعتنا به اصول دیپلماتیک، نامه‌ی وزارت خارجه‌اش را از طریق سفارت‌اش به رئیس‌جمهور افغانستان می‌فرستد درحالی‌که براساس عرف و اصول دیپلماتیک، این نامه باید به وزارت خارجه‌ی افغانستان فرستاده شده و از طریق این وزارت به رئیس‌جمهور می‌رسید. آقای اتمر به رئیس‌جمهور می‌گوید «این جوان‌ها» که مرادش محب و فضلی بوده است، در دوره‌ی حکومت وحدت ملی با دخالت در امور و صلاحیت‌های کاری او، مجبورش کرده بود که از سمت‌اش به‌عنوان مشاور شورای امنیت ملی رئیس‌جمهور استعفا کند. اتمر هشدار می‌دهد که اگر تلاش‌های غیراصولی و دخالت‌های مخرب فضلی و محب برای دور زدن وزارت خارجه و بی‌اعتنایی به صلاحیت‌های رسمی این نهاد ادامه یابد، او از وزارت خارجه‌ی حکومت استعفا می‌کند. رئیس‌جمهور غنی در پاسخ به اعتراض آقای اتمر می‌گوید فضل‌محمود فضلی و حمدالله محب، در هماهنگی با او، در امور روابط خارجی و دیپلماتیک کشور با سفرای کشورهای خارجی فعال شده‌اند و اگر او (حنیف اتمر) نمی‌تواند خودش را با این وضعیت هماهنگ کند، می‌تواند استعفا کند. حنیف اتمر بلافاصله استعفانامه‌اش را می‌نویسد و به رئیس‌جمهور تحویل می‌دهد. استعفایی که البته هنوز از طرف رئیس‌جمهور منظور نشده است.

پس از آن‌که حنیف اتمر استعفایش را به رئیس‌جمهور ارائه می‌کند، اکنون مذاکرات و زمینه‌سازی‌های فشرده‌ای میان اطرافیان رئیس‌جمهور غنی و حمدالله عبدالله آغاز شده

پیشنهادی ایالات متحده برای صلح افغانستان را یک کاغذ تفسیر کرد و معاونش آقای صلح گفت صلح تحمیلی را نمی‌پذیرد. در میان واکنش‌های اغلباً تند مقامات حکومت افغانستان و به‌خاصه‌ی جناح رئیس‌جمهور غنی، محمدحنیف اتمر، وزیر خارجه‌ی کابینه‌ی حکومت آقای غنی واکنش ملایمی به نامه داشت. واکنشی که حتا در مجامع سیاسی و رسانه‌های افغانستان، «تمایل و رضایت» تفسیر شد. آقای اتمر در خصوص نامه‌ی وزیر خارجه‌ی ایالات متحده به رئیس‌جمهور و طرح پیشنهادی این کشور برای مصالحه‌ی افغانستان گفت که مردم نباید نگران این طرح باشند زیرا نکات اصلی این طرح به نفع مردم افغانستان است.

واکنش حنیف اتمر به طرح پیشنهادی ایالات متحده برای صلح افغانستان که به آشکارا در مخالفت با موضع رسمی ارگ ریاست‌جمهوری و حلقه‌ی سیاسی رئیس‌جمهور غنی قرار داشت، اتفاق جدیدی نیست. از مدتی به این‌سو، همسویی میان مواضع رسمی آقای اتمر به‌عنوان وزیر خارجه و مواضع ارگ ریاست‌جمهوری در خصوص روند صلح کشور به افتراق و اختلاف متمایل شده است. منابع ما تأیید می‌کنند که آقای اتمر پس از اعلام موضع‌اش در مورد طرح پیشنهادی امریکا برای صلح افغانستان، برای دیدار با اشرف غنی و در میان گذاشتن شکایات و گلایه‌هایش با او، درخواست دیدار با رئیس‌جمهور را می‌کند. در این دیدار، آقای اتمر به رئیس‌جمهور اعتراض می‌کند که چرا حمدالله محب و فضل‌محمود فضلی، مسئولیت‌ها و صلاحیت‌های رسمی وزارت امور خارجه را دور زده و برخلاف اصول نهادی و بروکراتیک، با دیدار با سفرا و نمایندگان دیپلماتیک کشورها، در صلاحیت‌های وزارت خارجه دخالت می‌کنند. اتمر در این دیدار به غنی می‌گوید دیدار او با سفرا برمی‌تابد زیرا رئیس‌جمهور کشور است اما نمی‌تواند تلاش‌های مشاور شورای امنیت و رئیس

علی‌پور، فرمانده محلی ضد طالب، زمانی که عبدالله عبدالله در نشست صلح مسکو به‌سر می‌برد، مسعود اندرابی توسط رئیس‌جمهور از سمت رهبری وزارت امور داخله برکنار شد. مقامات امنیتی نه به صراحت که به تلویح تأیید کردند برکناری آقای اندرابی از سمت وزارت داخله، به ماجرای بهسود مرتبط است. منابع اطلاعات روز در حکومت افغانستان اما می‌گویند برکناری آقای اندرابی ربطی به بهسود نداشت و در فرجام سلسله‌ای از اختلاف نظرها میان ارگ و آقای اندرابی در خصوص مهره‌چینی‌های جدید در وزارت امور داخله اتفاق افتاده است.

ارگ ریاست‌جمهوری افغانستان بلافاصله پس از برکناری مسعود اندرابی، حیات‌الله را به‌عنوان سرپرست وزارت داخله معرفی کرد. عبدالله عبدالله، رئیس شورای عالی مصالحه‌ی ملی و شریک پنجاه درصد کابینه، پس از برگشت از نشست صلح مسکو، در واکنش به برکناری وزیر متعلق به جناح سیاسی‌اش از وزارت امور داخله، اعلام کرد که برکناری آقای اندرابی توسط رئیس‌جمهور و معرفی سرپرست جدید در وزارت امور داخله «بدون مشوره، بدون دلایل موجه، عجولانه و در مخالفت با توافقنامه‌ی سیاسی میان دو طرف» صورت گرفته است. آقای عبدالله این برکناری را «غیرقابل قبول» و برخلاف منافع و مصالح کشور خواند.

در پی رسانه‌های‌شدن نامه‌ی ارسال‌ی آنتونی بلینکن، وزیر خارجه‌ی ایالات متحده به رئیس‌جمهور غنی، مقامات حکومت افغانستان و از آن جمله امرالله صالح معاون رئیس‌جمهوری، واکنش‌های تندی به لحن و محتوای این نامه و طرح پیشنهادی ایالات متحده برای صلح افغانستان نشان دادند. بسیاری از افغان‌ها، از شهروندان عادی تا مقامات سیاسی، لحن این نامه را آمرانه، تهدیدآمیز و غیرمؤدبانه توصیف کرده و معترض بودند که به رئیس‌جمهور کشور اهانت شده است. رئیس‌جمهور غنی طرح

منابع ما تأیید می‌کنند که برخلاف پافشاری آقای عبدالله بر از دست‌دادن وزارت داخله، مصطفی مستور در تلاش آن است که از وضعیت پیش‌آمده استفاده کرده و با دوام مذاکرات، توافق عبدالله عبدالله برای نامزدی‌اش در وزارت خارجه را کسب کند. در صورتی که ارگ ریاست‌جمهوری موفق شود توافق عبدالله عبدالله برای معاوضه‌ی وزارت‌های داخله و خارجه را به‌دست آورد، در کنار آقای مستور، سید سعادت منصور نادر، وزیر بحرال دولت در امور صلح نیز یکی از گزینه‌ها برای احراز کرسی وزارت خارجه است. اگر توافقی در خصوص این معاوضه میان دو طرف صورت بگیرد، در صورت معرفی سعادت منصور نادر به وزارت امور خارجه، مصطفی مستور گزینه‌ای برای وزارت دولت در امور صلح خواهد بود.

است تا اختلاف سیاسی که پس از برکناری مسعود اندرابی از وزارت امور داخله میان ارگ و سپیدار خلق شده، با معاوضه‌ی وزارت امور خارجه و داخله تلطیف و ترمیم شود.

یک گروه سه‌نفره متشکل از حمدالله محب، معصوم استانکزی و مصطفی مستور در حال مذاکره و رایزنی هستند تا معامله‌ی جدیدی بر سر واگذاری وزارت امور داخله به تیم سیاسی رئیس‌جمهور غنی و وزارت امور خارجه به جناح آقای عبدالله شکل بگیرد. منابع ما تأیید می‌کنند که اطرافیان رئیس‌جمهور در پاسخ به واکنش منفی و مخالفت عبدالله با برکناری آقای اندرابی از وزارت امور داخله به او گفته‌اند که حالا حکم رئیس‌جمهور مبنی بر عزل اندرابی از وزارت داخله و معرفی حیات‌الله حیات به‌عنوان سرپرست این وزارت برگشت‌ناپذیر است. آن‌ها به رئیس‌شورای مصالحه‌ی ملی پیشنهاد کرده‌اند که وزارت امور خارجه را به‌جای وزارت امور داخله بپذیرد زیرا ارگ ریاست‌جمهوری در پی آن است که برای بهبود امور امنیتی و ایجاد هماهنگی و نظم بیشتر در سکتور امنیتی، وزارت‌های امنیتی را به‌صورت یکدست در اختیار داشته باشد. عبدالله عبدالله اما تا کنون به مخالفت‌اش ادامه داده است. اعتراض آقای عبدالله این است که چرا در غیبت او، بدون این‌که با او مشورت شده باشد، زمانی که در مسکو به‌سر می‌برده، ارگ ریاست‌جمهوری برخلاف روحیه‌ی همکاری، وزیر او را از سمت‌اش برکنار کرده است. رئیس‌شورای عالی مصالحه‌ی ملی به اطرافیان رئیس‌جمهور گفته اگر این رویه ادامه یافته و ارگ به‌صورت یک‌جانبه و برخلاف متن توافقنامه‌ی سیاسی عمل کند، نباید از او انتظار همکاری و همسویی در خصوص روند صلح را داشته باشند. رئیس‌شورای مصالحه‌ی ملی هشدار داده است که در صورت لزوم، او از تلاش برای جلب حمایت و اجماع به نفع مواضع سیاسی ارگ ریاست‌جمهوری در خصوص روند صلح دست کشیده و به‌صورت یک‌جانبه مطابق به مواضع و نقشه‌ی راه خودش در روند صلح به پیش می‌رود.

پس از تلاش‌های نافرجام حمدالله محب و معصوم استانکزی در جلب توافق و مهار مخالفت عبدالله عبدالله، آن‌ها به رئیس‌شورای مصالحه‌ی ملی پیشنهاد می‌کنند که برای جلوگیری از ضیاع وقت، دوام مذاکرات و ایجاد تعامل جدیدی که منافع و رضایت هر دو طرف فراهم شود، آن‌ها مذاکرات و مشورت‌های‌شان در این زمینه را با مصطفی مستور ادامه می‌دهند.

ارگ ریاست‌جمهوری در تلاش آن است که رضایت و توافق عبدالله عبدالله برای معاوضه‌ی وزارت امور داخله و وزارت امور خارجه میان دو جناح سیاسی را به‌دست آورد. آقای عبدالله اما همچنان پافشاری می‌کند و تمایلی به این معاوضه و از دست‌دادن وزارت داخله ندارد. کاندید مورد نظر آقای عبدالله برای نامزدی‌ری وزارت امور داخله، ادیب فهیم، پسر مارشال محمدقسیم فهیم است. منابع ما تأیید می‌کنند که برخلاف پافشاری آقای عبدالله بر از دست‌دادن وزارت داخله، مصطفی مستور در تلاش آن است که از وضعیت پیش‌آمده استفاده کرده و با دوام مذاکرات، توافق عبدالله عبدالله برای نامزدی‌اش در وزارت خارجه را کسب کند. در صورتی که ارگ ریاست‌جمهوری موفق شود توافق عبدالله عبدالله برای معاوضه‌ی وزارت‌های داخله و خارجه را به‌دست آورد، در کنار آقای مستور، سید سعادت منصور نادر، وزیر بحرال دولت در امور صلح نیز یکی از گزینه‌ها برای احراز کرسی وزارت خارجه است. اگر توافقی در خصوص این معاوضه میان دو طرف صورت بگیرد، در صورت معرفی سعادت منصور نادر به وزارت امور خارجه، مصطفی مستور گزینه‌ای برای وزارت دولت در امور صلح خواهد بود.